



بسم الله الرحمن الرحيم

# آشنایی با

حضرت **عبدالعظیم علیّه السلام**

و **مصادر شرح حال او**

پانزدهم زمستان

در تالیف و تصحیح و تدوین و ترجمه و تصحیح و تدوین

رضا استادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

این رساله شامل مقدمه و سه فصل و خاتمه است.  
در مقدمه، امام زاده بودن و جلالت قدر داشتن، و استحباب زیارت حضرت  
عبدالعظیم، و اینکه قبر آن بزرگوار در «ری» است بیان شده است.  
در فصل اول عمده مصادر شرح حال آن حضرت (هفتاد و دو کتاب) به  
ترتیب تاریخ تألیف یا وفات مؤلفان یاد، و از غالب آنها نکته‌ای یا مطلبی نقل شده

است.

در فصل دوم کتابهایی که مستقلاً پیرامون زندگانی و شخصیت آن حضرت نگاشته شده (شانزده کتاب) معرفی گردیده است.

در فصل سوم به چهارده سؤال پیرامون تولد و زندگانی و وفات و قبر آن حضرت پاسخ داده شده است.

در خاتمه روایات استحباب زیارت آن حضرت نقل و نیز پیرامون زیارتنامه ایشان بحث شده است.

### مقدمه

در تحية الزائر آمده است:

مقام دوم در ذکر زیارت امام زادگان عظام، و شاهزادگان والا مقام، که قبورشان محل فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایات الهیه است، و علمای اعلام تصریح نمودند به استحباب زیارت قبور ایشان که بحمدالله تعالی در غالب بلاد مؤمنین موجود، بلکه در قری و بریه و اطراف کوهها و دره‌ها، و پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومان و تسلی دل‌های پژمردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیام، و از بسیاری از ایشان کرامات و خوازق عادات مشاهده شده.

ولکن مخفی نماند که امام زادگانی که انسان به اطمینان خاطر، محض درک فیوضات و کشف کُرُبات، بار سفر بندد و شد رحال کند به سمت قبر شریفش، باید اول، دو مطلب را درست کرده آنگاه قصد مقصد کند.

اول جلال قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد، علاوه بر شرافت نسب و علاقه بنوت، به حسب آنچه از کتب احادیث و انساب معلوم می‌شود.

دوم معلوم بودن قبر آن سید جلیل، و صحت نسبت آن قبر به او.

۱ - تحية الزائر تألیف حاجی نوری است و چون وی پیش از تکمیل آن، از دنیا رفته، شاگردش محدث قمی آن را تکمیل کرده است.

و جمع این دو بسیار کم است، چه بسیاری از قبوری که نسبت می‌دهند به آن بزرگواران، نه حال صاحبانش معلوم، و نه مدفون بودن در آنجا، و جمله‌ای دفن در آنجا معلوم، و حال صاحبش مجهول، و پاره‌ای جلالت قدر آن امام زاده معلوم، و لکن مرقد شریفش مشتبه مثل سید جلیل علی پسر امام جعفر صادق علیه السلام و تربیت کرده برادر بزرگوارش که از بزرگان راویان، و صاحب تصنیف (که تاکنون در دست است بحمدالله)، و چهار یا پنج امام را درک نموده و خدمت کرده ولیکن قبر شریفش مشتبه و سه موضع است که به او نسبت می‌دهند.

اول: در بیرون قلعه سمنان در میان باغچه [ای] با نضارت با قبه عالیه و رفیعه و عمارت مختصر با نراهتی.

دوم: در بلده طیبه قم در قبه عالیه و صحنی وسیع و آثار قدیمه، که سبب اطمینان تمام اهل آن بلد است در بودن قبر شریفش در آنجا.

سوم: يك فرسخی مدینه طیبه در قریه «عریض» که ملك آن جناب و محل سکنای خودش و ذریه‌اش بود و لهذا او را علی عریضی [می‌گفتند] و اولادش نیزه‌همین لقب در کتب انساب و غیرها معروفند و در آنجا نیز بر قبر شریفش قبه‌ای است عالیه...

باقی می‌ماند قلیلی که هر دو جهت آن مکشوف است. مثل قبر اسماعیل پسر امام جعفر صادق علیه السلام، که در بقیع نزدیک ائمه بقیع علیهم السلام معلوم است...

و جمله‌ای از اولاد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مثل سید جلیل عظیم القدر و الشان احمد معروف به شاه چراغ، که در داخل شهر شیراز مدفون است...

و برادر دیگرش سید جلیل القدر صاحب فضل و صلاح محمد، که با احمد از يك مادرند و در شهر شیراز معروف است به میر سید محمد، و در نزدیکی قبر برادرش است و دارای بقعه و ضریح و خدمه است...

و برادر دیگرش قاسم که در هشت فرسخی حله مدفون است، و قبر شریفش زیارتگاه عامه خلق است، و پیوسته علما و اخیار به زیارت او روند.....

و مثل برادر دیگرش امام زاده حمزه که با امام زاده احمد و محمد از يك مادرند، و قبر شریفش در ری نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم است، و مادامی که عبدالعظیم در ری زنده بود، پیوسته به زیارت او می آمد و این سید جلیل القدر الآن در ری صاحب قبه و بارگاه و ضریح و صحن و خدمه است... .

و مثل ابي حمزه امير علي بن حمزة بن موسى الكاظم عليه السلام که قبر شریفش در شیراز خارج باب اصطخر است... .

و مثل سیده جلیله معظمه فاطمه دختر امام موسی علیه السلام مدفونه به قم در نهایت جلالت و علو مقام است... .

و مثل معظمه نجیبه حضرت حکیمه خاتون، دختر امام محمد تقی (ع) که چهار امام را درك نموده و به آنها خدمت کرده... و قبر شریفش در قبه سامیه عسکریین است.

و مثل امام زاده لازم التعظیم جناب عبدالعظیم...<sup>۲</sup>.  
مرحوم محدث قمی در کتاب هدیه الزائرین پس از نقل مطلب بالا فرموده است:

و مثل امام زاده محمد، فرزند امام جعفر صادق علیه السلام که در شهر بسطام مدفون است.

و مثل قبر سید معظم جلیل، ابوجعفر محمد بن علی الهادی (ع) در نزدیکی «بلد» که اسم منزلی است معروف در طریق سامره، و جلالت و نبالت شأن آن بزرگوار بسیار است...<sup>۳</sup>.  
علامه مجلسی در تحفة الزائر فرموده:

در هر بلدی از بلاد، قبور منسوبه به اولاد و احفاد ائمه بسیار است، اما بعضی از ایشان مدفون بودندشان در آن مکان معلوم نیست، و بعضی حالشان معلوم نیست، و زیارت هر يك از ایشان که بدی شان معلوم نباشد خوب است، و تعظیم

۲ - تحية الزائر، حاجی نوری و محدث قمی، ۱۳۲۷ قمری، ص ۳۲۲ - ۳۳۲، با تلخیص.

۳ - هدیه الزائرین، ص ۳۳۸ - ۳۴۴.

ایشان، تعظیم ائمه است، و از برای ایشان زیارتی بخصوص منقول نیست، اگر به کیفیت زیارت سایر مؤمنان ایشان را زیارت کنند خوب است. و اگر ایشان را امتیاز دهند به مخاطبه سلام، مثل ائمه علیهم السلام به هر لفظی که بر زبان جاری شود و متضمن تعظیم ایشان باشد خوب است، و اگر آنچه علما تألیف کرده اند و در کتب زیارات مذکور است بخوانند خوب است.

و همچنین مستحب است زیارت مراقدی که منسوب است به انبیا. و همچنین هر يك از اصحاب نبی صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، که خوبی ایشان معلوم باشد، مثل سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و حذیفه و جابر انصاری و میثم تمار و رشید هجری و قنبر و حجر بن عدی و سایر افاضل محدثین اصحاب ائمه علیهم السلام هر يك قبرشان معلوم باشد.

و همچنین اکابر علمای شیعه مثل شیخ مفید و سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی و علامه حلی و هر که از افاضل علمای شیعه که قبرش معلوم باشد زیارت ایشان مرغوب است.<sup>۵</sup>

مرحوم حاج ملا هاشم خراسانی می فرماید:

امام زادگان عظام طبقات و اصنافی هستند:

صنف اول امام زاده‌هایی که علاوه بر شرافت نسبی، شأن و جلالت قدرشان معلوم است، و محل دفنشان هم معلوم است، و استحباب زیارتشان هم بالخصوص از ائمه اطهار مأثور است، و زیارت مخصوص هم جهت ایشان وارد شده.

مثل حضرت ابا الفضل العباس و حضرت علی اکبر و حضرت معصومه<sup>۶</sup> و حضرت حمزه سید الشهداء علیهم السلام.

صنف دوم امام زاده‌هایی که جلالت قدر و محل دفنشان معلوم است، و استحباب زیارتشان هم بالخصوص مأثور است، لکن زیارت مخصوص از ائمه اطهار به جهت ایشان وارد نشده. مثل حضرت عبدالعظیم، و مثل جناب قاسم بن

۴ - یعنی انشاء علما است.

۵ - تحفة الزائر، ص ۵۴۶ - ۵۴۷.

۶ - علامه مجلسی در تحفة الزائر فرموده: ممکن است زیارت حضرت معصومه از تألیف و انشاء علما بوده باشد.

موسی الکاظم(ع) که در هشت فرسخی حله مدفون است.<sup>۷</sup>

صنف سوم امام زاده‌هایی که جلالت قدر و محل دفنشان معلوم است، لکن استحباب زیارتشان بالخصوص وارد نشده، مثل جناب اسماعیل بن جعفر الصادق، و احمد بن موسی الکاظم المعروف به شاه چراغ، و برادرش محمد بن موسی بن جعفر که محل دفن هر دو در شیراز معلوم است، و مثل سید محمد بن الامام الهادی(ع) که قبر شریفش در نزدیکی «بلد» يك منزلی سامراء است و مثل حکیمه خاتون دختر امام جواد(ع)... (دوازده نفر دیگر را در این صنف یاد کرده است).

صنف چهارم امام زاده‌هایی که جلالت قدرشان معلوم است، اما محل دفنشان معلوم نیست مثل علی بن جعفر(ع) که در سه موضع قبّه و بقعه‌ای است منسوب به ایشان، و حمزه بن موسی الکاظم(ع)، که در چهار موضع محتمل است قبر ایشان باشد، و محمد بن الامام جعفر الصادق(ع) ملقب به دیباج که نیز در چهار مورد احتمال بودن قبر ایشان هست.<sup>۸</sup>

## فصل اول

معرفی مصادر شرح حال حضرت عبدالعظیم(۷۲ کتاب) از سده سوم تا پانزدهم

سده سوم

۱- ابوجعفر احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد البرقی در گذشته سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ در کتاب محاسن ص ۹۲ چاپ محدث ارموی:

و کان(عبدالعظیم) مرضیاً.

سده چهارم

۲- ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی (شیخ صدوق) در گذشته سال ۳۸۱

۷- برخی از علماء روایت داله بر استحباب زیارت حضرت قاسم بخصوص، را بی اصل دانسته‌اند.

۸- منتخب التواریخ، چاپ اسلامیة، ص ۲۱۹- ۲۲۷، با تلخیص و تصرف در عبارات.

و مدفون در شهر ری در کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۲۸ چاپ مکتبه صدوق:

عبدالعظيم بن عبدالله الحسني المدفون بالري في مقابر الشجرة. و كان مرضياً رضي الله عنه.

۳- و نیز در مشیخه من لا يحضره الفقيه می نویسد:

و ما كان عن عبدالعظيم... عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسني و كان مرضياً.

۴- ابوالقاسم اسماعیل بن عبّاد بن عباس الطالقانی (صاحب بن عبّاد) در گذشته سال ۳۸۵ و مدفون در اصفهان، رساله‌ای در ترجمه حضرت عبدالعظیم نگاشته که در مستدرک الوسائل حاجی نوری، و نیز جداگانه ضمن مجموعه‌ای در بغداد چاپ شده است. و در فصل دوم این رساله نقل خواهد شد.

سده پنجم

۵- ابوالعباس احمد بن العباس بن محمد النجاشی در گذشته سال ۴۵۰، در کتاب رجال خود ص ۲۴۷ و ۲۴۸ چاپ جامعه مدرسان قم:

كان عبدالعظيم وردالري هارباً من السلطان... فمرض و مات رحمه الله.

۶- ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی (شیخ طوسی) در گذشته سال ۴۶۰ در کتاب الفهرست ص ۱۸۴ چاپ مشهد:

و مات عبدالعظيم رحمه الله بالري و قبره هناك.

۷- و در کتاب رجال خود ص ۴۱۷ و ۴۳۳ حضرت عبدالعظیم را در زمره اصحاب حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام یاد کرده است و از کتاب مجمع الرجال قهستانی بر می‌آید که در برخی نسخه‌های رجال شیخ طوسی، حضرت عبدالعظیم از اصحاب حضرت جواد هم شمرده شده است.

۸- ابراهیم بن ناصر بن طباطبا از دانشمندان سده پنجم، در کتاب «منتقلة الطالبية» چاپ نجف ص ۱۵۶ و ۱۵۷:

هو (عبدالعظيم) المحدث الزاهد صاحب المشهد في الشجرة بالري و قبره

یزار... .

۹- نجم الدین ابوالحسن علی بن محمد علوی عمری نیز از دانشمندان سده پنجم،  
در کتاب «المجدی فی الانساب» چاپ قم ص ۳۵:  
أما عبدالعظیم فكان رجلاً عظيماً قبره بالري يزار.

سده ششم

۱۰- علی بن ابی القاسم بیهقی معروف به ابن فندق در گذشته سال ۵۶۵ در کتاب  
«لباب الأنساب»، حضرت عبدالعظیم را در اولاد و نوادگان حضرت مجتبی علیه  
السلام یاد کرده است. به ج ۲، ص ۴۴۷ رجوع شود.

۱۱- ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب «نقض» که در حدود سال  
۵۶۰ تألیف شده در ص ۸۱ و ۱۲۱ و ۲۱۱ و ۵۸۸ و در تعلیقات مرحوم محدث  
أرموی بر آن ص ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۵۱۳ و ۷۱۹ از مزار حضرت عبدالعظیم یاد شده  
است.

سده هفتم

۱۲- ابو عبدالله محمد بن عمر رازی (فخر رازی) در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب  
«الشجرة المباركة في أنساب الطالبيّة» که منسوب به اوست در ص ۴۶ چاپ قم:  
علي بن الحسن بن زيد بن الحسن أعقب من رجلين: عبدالعظیم بطبرستان  
وقتل بالري ومشهده بها معروف ومشهور، واحمد له عقب كثير، أما عبدالعظیم  
فلا أعرف من عقبه إلا ابنة محمد....

سده هشتم

۱۳- ابومنصور حسن بن یوسف بن المطهر الحلی (علامه حلی) در گذشته سال  
۷۲۶ در کتاب «خلاصة الاقوال» ص ۱۳۰ چاپ نجف:

له كتاب خطب أمير المؤمنين عليه السلام كان عابداً ورعاً له حكاية تدلّ علی  
حسن حاله، ذكرناها في كتابنا الكبير. قال محمد بن بابويه أنه كان مرضياً.

۱۴- تقی الدین الحسن بن علی بن داود الحلی که وفات او در نیمه اول سده



هشتم است در کتاب «رجال» خود ص ۲۲۶ چاپ محدث ارموی:  
عبدالعظیم بن عبدالله... ابوالقاسم عابد ورع کان مرضياً.

سده نهم

۱۵ - جمال الدین احمد بن عنبه در گذشته سال ۸۲۸ در کتاب «عمدة الطالب فی  
أنساب آل أبي طالب» ص ۷۱ چاپ هند:

عبدالعظیم المدفون بالرّی فی مقابر الشجرة و أولد عبدالعظیم محمد بن  
عبدالعظیم کان زاهداً کبیراً و انقرض و لا عقب له.

۱۶ - نیز در کتاب دیگر خود «الفصول الفخریه» چاپ محدث ارموی

ص ۱۰۷:

و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسر او محمد نیز.

سده دهم

۱۷ - علامه نسابه عبیدلی سبزواری که از دانشمندان سده دهم بوده در رساله  
«اسدیه» خود چاپ قم ص ۲۹:

نسل علی الشدید بن حسن بن زید امام حسن علیه السلام، از اولاد او  
عبدالله و نسل عبدالله از سه پسرند:

السید العابد الزاهد عبدالعظیم علیه التعظیم که در ری مدفون است، و نسل

آن حضرت منقرض شده.

و احمد و حسن اولاد علی الشدید را نسل است... .

سده یازدهم

۱۸ - قاضی نورالله تستری شهید در سال ۱۰۱۹ در کتاب مجالس المؤمنین مجلس  
دهم ص ۴۴۵ چاپ سنگی:

ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی البراوستانی القمی صاحب معجم  
البلدان گفته که «براوستان» دیهی است از قم و از آنجا است وزیر مجد الملك  
ابوالفضل اسعد بن محمد براوستانی که وزیر سلطان برکیارق بن ملکشاه بود... از

آثار مجد الملك قبه حسن بن علی علیهما السلام است در بقیع که علی زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و عباس بن عبدالمطلب در آنجا آسوده اند. و چهار طاق عثمان بن مظعون که اهل سنت چنان پندارند که مقام عثمان بن عفان است که او بنا کرده، و مشهد امام موسی کاظم و امام محمد تقی در مقابر قریش در بغداد هم او فرموده است. و مشهد عبدالعظیم حسنی در شهر ری، و غیر آن از مشاهد سادات علوی و اشراف فاطمی علیهم السلام از آثار اوست. در سال ۴۹۲ شهید شده و از جمله آثار حسن خاتمه اوست آنکه بعد از فوز به شهادت در جوار فائض الانوار حضرت امام حسین علیه السلام قرار یافته است.

۱۹ - میر مصطفی تفرشی در گذشته بعد از ۱۰۴۴ در کتاب «نقد الرجال» ص ۱۹۰ چاپ سنگی عبارات رجال نجاشی و فهرست و رجال طوسی و خلاصه علامه حلی را نقل کرده است.

۲۰ - میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی در گذشته ۱۰۲۸ در کتاب «منهج المقال» که معروف به رجال کبیر است عبارات رجال نجاشی و فهرست و رجال طوسی و خلاصه علامه را نقل کرده است.

۲۱ - میرداماد در گذشته ۱۰۴۰ در کتاب «الرواشح السماویه» ص ۵۰ چاپ

سنگی:

الذائع الشائع أنّ طریق الروایة من جهة أبي القاسم عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی المدفون بمشهد الشجرة بالري رضي الله تعالى عنه وأرضاه من «الحسن» لأنه ممدوح غير منصوص على توثيقه، وعندى ان الناقد البصير والمبصر الخبير يستهجنان ذلك ويستبحان جداً. و لو لم يكن له إلا حديث عرض الدين وما فيه من حقيقة المعرفة، و قول سيدنا الهادي أبي الحسن الثالث عليه السلام له: «يا أبا القاسم أنت ولينا حقاً» مع ماله من النسب الظاهر والشرف الباهر لكفاه... وبالجملة قول ابن بابويه و النجاشي و غيرهما فيه: كان عابداً ورعاً مرضياً يكفي في استصحاح حديثه فضلاً عما أوردناه، فإذا الأصح الأرجح والأصوب الأقوم أن يعد الطريق من جهته صحيحاً و في الدرجة العليا من الصحة والله سبحانه أعلم.

۲۲ - و هم ایشان در کتاب دیگر «شرعة التسمية» که در قم با تصحیح نگارنده

این رساله چاپ شده است ص ۴۵:

عبدالعظیم المدفون بمشهد الشجرة بالرّي في قبته المعمورة المعروفة المشهورة أنّها محلّ استجابة الدعاء رضي الله عنه وارضاه و قد ورد في زيارته ما ورد من الروايات المشهورة، و قد أدرك من الأئمة: الجواد و الهادي و العسكري عليهم السلام، و استفادت الإمامية من احاديثه و رواياته إلى الآن.

۲۳ - ملا محمد تقی مجلسی در گذشته سال ۱۰۷۰ در کتاب شرح فارسی من لا يحضره الفقيه موسوم به «لوامع صاحبقرانی» ج ۲، ص ۱۷۹ چاپ سنگی: [حضرت عبدالعظیم] مدفون است در جایی که مشهور به مقابر شجره است در ری، و ائمه هدی صلوات الله عليهم از او خشنود بودند....

۲۴ - و هم ایشان در کتاب «روضه المتقين» ج ۱۴، ص ۱۶۳ - ۱۶۷: عظیم الشان جلیل القدر و يظهر جلالة قدره من رواياته... و كان مرضياً أي كان في دينه صحيحاً و الأصحاب يرضون حديثه و يعملون به.

۲۵ - شیخ فخر الدین طریحی متوفای ۱۰۸۵ در کتاب «المنتخب» ص ۸ چاپ ۱۳۶۹ نجف:

قیل: و ممّن دفن حياً من الطالبیین عبدالعظیم الحسنی بالرّي.<sup>۱</sup>  
۲۶ - ملا عنایت الله قهپایی از علمای سده یازدهم در کتاب مجمع الرجال ج ۴، ص ۹۷ و ۹۸ عبارت رجال نجاشی و فهرست و رجال طوسی در باره حضرت عبدالعظیم را نقل کرده است.

سده دوازدهم

۲۷ - محمد بن علی اردبیلی متوفای ۱۱۰۱ در کتاب «جامع الرواة» ج ۱، ص ۴۶۰ چاپ اول عبارات رجال نجاشی و رجال و فهرست طوسی و مشیخه من لا يحضره

۹ - صاحب منتخب التواریخ در ص ۲۲۱ گوید: ظاهر امر این است که به اجل خودش مرد و او را نکشته اند. نگارنده این رساله گوید: هر کس عبارت منتخب طریحی را با قبل و بعدش ببیند این توجیه را نمی پذیرد؛ زیرا مرحوم طریحی در صدد بیان این است که ائمه را کشته اند و حتی اولاد آنها را هم کشته اند و چند نفر از باب نمونه یاد می کند.

الفقيه و خلاصة الأقوال علامه را نقل کرده است.

۲۸ - علامه مجلسی متوفای ۱۱۱۰ در کتاب بحار الانوار ج ۹۶ ص ۲۶۸ روایت دالّه بر فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم را از ثواب الاعمال صدوق و کامل الزیارات ابن قولویه نقل، و سپس کلام نجاشی در رجال را یاد کرده است.

۲۹ - هم ایشان در رساله «وجیزه» در علم رجال ص ۶۰ چاپ سنگی فرموده: عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی جلیل الشأن معروف المزار.

۳۰ - و نیز ایشان در کتاب «تحفة الزائر» ص ۵۴۶ چاپ شیخ فضل الله

نوری گوید:

از مزارات مشهوره معلومه مرقد منور امام زاده واجب التعظیم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب (ع) است، و نسب آن حضرت به چهار پشت به حضرت حسن مجتبی (ع) منتهی می شود و از اکابر محدثین و اعظام علماء و عبّاد و زهاد بوده است و از اصحاب امام محمد تقی و امام علی نقی علیهما السلام بوده است و نهایت توسل و انقطاع به خدمت ایشان داشته است و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده است و قبر شریف وی درری معلوم و مشهور است ...

سده سیزدهم

۳۱ - ابو علی حائری محمد بن اسماعیل متوفای ۱۲۱۵ در کتاب «منتهی المقال» معروف به رجال ابو علی ص ۱۷۹:

و العجب من المقدس التقي رحمه الله حيث قال: انه سهو ليس فيها (يعني ليس في مشيخة الفقيه جملة: كان مرضياً) بل هو مذكور في ثواب الأعمال و العيون.

و تعجب برای این است که این جمله در ثواب الاعمال و عیون اخبار الرضا نیست بلکه در مشیخه من لا يحضره الفقيه و کتاب صوم آن است و نگارنده عجالاً نمی داند مقصود از مقدس تقی در عبارت ایشان کیست ولی معلوم است که ملا محمد تقی مجلسی نیست. شرح عربی و فارسی او بر من لا يحضره الفقيه مراجعه شود.

۳۲ - حاج زین العابدین شروانی متوفای ۱۲۵۳ و مدفون در جده در قبرستان حضرت حواء در کتاب «حدائق السیاحة» ص ۲۵۵ چاپ حروفی رحلی گوید: قریه شاه عبدالعظیم اکنون قصبه‌ای است شهر مانند... آقا محمد باقر کدخدای آن قصبه شخصی عزیز و محترم... و نقش سلسله علیه نعمه اللہیة بر لوح ضمیر می‌نگاشت. در سال ۱۲۳۹ جمعی از اشقیا و اشرار آن دیار بر سر آب گفتگو نموده آن سر حلقه صدق و صفا را به سعادت ابدی رساندند.

۳۳ - ملا محمد اسماعیل بن محمد هادی کزازی اراکی فدائی کتاب جنات النعیم فی احوال سیدنا الشریف عبدالعظیم را در سال ۱۲۲۹ تألیف کرده است که در فصل دوم این رساله معرفی خواهد شد و این شعر از اوست:  
لیس ما بینہ و بین المجتبی غیر عینین و حاءِ ثم زای  
(بن عبدالله بن علی بن حسین بن زید)  
سده چهاردهم و پانزدهم

۳۴ - سید محمد باقر خوانساری در گذشته ۱۳۱۳ در کتاب «روضات الجنات» ص ۳۵۳ چاپ دوم:  
السید الشاہ عبدالعظیم... فی تعلیقة الشہید الثانی علی خلاصة الأقوال: قد نصّ علی زیارته الإمام علی بن موسی الرضا علیه السلام، قال: من زار قبره وجبت علی الله له الجنة، ذکر ذلك بعض النسّابین.  
۳۵ - حاج میرزا ابوالقاسم نراقی نواده صاحب معراج السعادة و در گذشته سال ۱۳۱۹ در کتاب «شعب المقال فی أحوال الرجال» ص ۷۰:  
ثقة جلیل القدر.

۳۶ - سید علی اصغر بن سید محمد شفیع جابلقی در گذشته ۱۳۱۳ در کتاب «طرائف المقال» ج ۱، ص ۳۱۷ چاپ قم:  
فضله و جلالته أشهر من ان يذكر و قبره الآن مزار للشیعة و قد برزت منه الكرامات الباهرة.

۳۷ - سید حسین بروجردی در منظومه نخبه المقال یا زبدة المقال:  
عبدالعظیم الحسنی الزاهد طق صف جلیل ثقة و عابد

طق ضف یعنی طریق به او در فقیه ضعیف است. اما مجلسی اول در شرح  
مشیخه فقیه فرموده: طریق به عبدالعظیم قوی کالصحیح است.

۳۸- حاج میرزا حسین نوری متوفای ۱۳۲۰ در مستدرک ج ۳ ص ۱۴۶ چاپ اول:  
فهو من أجلاء السادات و سادة الأجلّة... سپس رساله صاحب بن عبّاد را  
نقل کرده است.

۳۹- هم ایشان در تحیة الزائر ص ۳۳۱: فقیر یافتیم نسخه‌ای از نهاییه شیخ  
طوسی رحمه الله به خط بعضی علما که تاریخ کتابت آن روز سه شنبه ۱۵ ربیع  
الأول سنه ۵۱۷ هجری بوده در آخر جزء اول آن نوشته بود بسیاری از فضائل و علو  
مقام و رتبه علم و زهد و نسب جناب عبدالعظیم را.

رساله صاحب بن عبّاد هم ظاهراً در همین نسخه نوشته بوده است و حاجی  
نوری آن را در مستدرک نقل کرده است.

۴۰- شیخ محمد طه نجف در گذشته ۱۳۲۳ در کتاب «اتقان المقال»:  
هو قطعي الوثاقه عظیم.

۴۱- حاج ملا باقر کجوری متوفای ۱۳۱۳ کتاب «روح و ریحان» یا «جنة  
النعم و العیش السليم في أحوال سيدنا عبدالعظیم» را نوشته است که در فصل دوم  
این رساله معرفی خواهد شد.

۴۲- حاج ملا علی علیاری متوفای ۱۳۲۷ در کتاب «بهجة الآمال فی شرح  
زبدة المقال» ج ۵، ص ۱۷۶ - ۱۸۱ در پایان بحث گوید:

و المراد بالقبر الذي كان يزوره عبدالعظیم مستتراً هو قبر حمزة بن موسى  
بن جعفر عليهما السلام المدفون هناك و هو أيضاً مزار معروف في زماننا هذا و  
الحقير قد تشرفت في عامنا هذا سنة ۱۳۱۱ بزيارتها حين قصدت زيارة علي بن  
موسى الرضا عليهما السلام و الحمد لله على إتمام هذه النعمة عليّ.

۴۳- میرزا سید مهدی خان لاهوتی بدایع نگار در کتاب «بدائع الأنساب فی  
مدفن الأطياب» که در سال ۱۳۵۰ تألیف کرده در ص ۳۹ گوید:

عبدالعظیم... در ری مدفون و مزور، و معاصر امام محمد تقی (ع) و امام علی  
النقی (ع) و جلیل القدر است. او را يك پسر به نام محمد بوده، قلیلی برای او احمد

و قاسم هم نوشته‌اند.

۴۴ - حاج ملا هاشم خراسانی متوفای ۱۳۵۲ در کتاب منتخب التواریخ چاپ اسلامیة ص ۱۹۷ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۷۷۱ و ۷۷۳:

بنیان حرم و مشهد مقدس حضرت عبدالعظیم از مرحوم مجد الملك قمی است که در سال ۴۹۲ کشته شده و در جوار سیدالشهداء علیه‌السلام دفن شده است، و از آثار خیریه همین مجد الملك بقعه ائمه بقیع و رواق و مشهد کاظمین علیهم‌السلام است.

۴۵ - حاج شیخ عبدالله مامقانی متوفای ۱۳۵۵ در کتاب «تنقیح المقال» ج ۲، ص ۱۵۷:

اقول: لعلّ جلالته في الغاية اغنته عن التصريح بوثاقته.

۴۶ - مرحوم محدث قمی متوفای ۱۳۵۹ در کتاب «هدية الزائرین» ص ۳۴۷ - ۳۴۹:

علما برای آن بزرگوار زیارتی نقل نکرده‌اند مگر آنکه فخر المحققین آقا جمال الدین در مزار خود فرموده که زیارت آن حضرت به این نحو مناسب است: السلام علی آدم صفوة الله...

۴۷ - و هم ایشان در «سفينة البحار» ج ۲، ص ۱۲۱:

في كتاب المجدي ان خديجة بنت القاسم الزاهد بن الحسن بن زيد بن الحسن بن أمير المؤمنين عليهم السلام كانت زوجة عبدالعظيم الحسنی رضي الله عنهما.

۴۸ - و نیز در «منتهی الآمال» ج ۱، ص ۱۷۹:

خديجة دختر قاسم بن الحسن بن زيد همسر عبدالعظیم بن عبدالله بوده (دختر عمو و پسر عمو بوده‌اند).

۴۹ - و هم ایشان در «مفاتیح الجنان» ص ۵۴۴ چاپ اسلامیة:

امام زاده لازم التعظیم جناب شاهزاده عبدالعظیم... قبر شریفش در ری معلوم و مشهور و ملاذ و معاذ عامه مخلوق است و علو مقام و جلالت شأن آن حضرت اظهر من الشمس است....

۵۰- و نیز در «تحفة الأحباب» ص ۱۷۰: عبدالعظیم مکنی به ابوالقاسم و قبر شریفش در ری معروف و مشهور است، و به علو مقام و جلالت شأن معروف، و از اکابر محدثین و اعظام علما و زهاد و عباد و صاحب کتاب خطب امیرالمؤمنین (ع) بوده...

و من به برخی از جلالت او در کتاب مزار اشاره کردم و جناب عبدالعظیم را پسری بوده به نام محمد، او نیز مردی بزرگ قدر و به زهدات و کثرت عبادت معروف بوده است.

۵۱- شیخ محمد حسن حرزالدین درگذشته سال ۱۳۶۵ ق در کتاب «مراقد المعارف» ج ۲، ص ۵۲-۵۷ چاپ ۱۳۹۱ در نجف گوید:

تاریخ وفات حضرت عبدالعظیم بین سالهای ۲۵۲-۲۵۵ است؟!؛

۵۲- سید عبدالرزاق کمونة الحسینی متوفای ۱۳۹۰ در کتاب «مشاهد العترة الطاهرة» ص ۹۴ چاپ ۱۳۸۷ در نجف:

ومات في الري ودفن بها العالم الورع السيد عبدالعظیم...

۵۳- حاج شیخ ذبیح الله محلاتی درگذشته سال ۱۴۰۶ و مدفون در مقابل مقبره شیخ ابوالفتوح رازی، در کتاب «اختران تابناک» ص ۳۱۱-۳۱۶:

مصصح این کتاب آقای محمد جواد نجفی گوید: ما شرح حال حضرت عبدالعظیم را به صورت کتابی، ضمیمه جلد چهارم ستارگان درخشان که حاوی شرح حال امام حسن علیه السلام است نوشته‌ایم.

۵۴- آیت الله حاج سید ابوالقاسم خوئی متوفای ۱۴۱۳ در کتاب ارزشمند «معجم رجال الحدیث» ج ۱۰، ص ۴۹-۵۴ چاپ اول:

إنَّ جلاله مقام عبدالعظیم و ایمانه و ورعه غنیة عن التثبیت فی إثباتها بالروایات الضعاف مثل ما روی عن بعض النسایین عن الرضا علیه السلام «قال: من زار قبره و جبت له الجنة» مع أن المتحصل من کلمات أصحابنا أن عبدالعظیم لم یدرک الرضا علیه السلام فضلاً عن أن یکون متوفی فی حیاته. فما ذکره (بعض النسایین) و هم جزءاً فهذه المرسلات غیر قابلة للتصدیق.

۵۵- علامه حاج شیخ محمد تقی تستری دامت برکاته در کتاب قاموس



الرجال ج ۵، ص ۳۴۵ - ۳۴۷ چاپ اول پیرامون حضرت عبدالعظیم بحث کرده و در پایان فرموده:

روایت منقوله از حضرت رضا(ع): «من زار قبره و جبت له الجنة» مربوط به زیارت قبر حضرت معصومه است ناقل اشتباهاً آن را در مورد حضرت عبدالعظیم دانسته است.

۵۶ - محقق ارجمند سید عبدالعزیز طباطبائی دامت إفاداته در ویژه نامه سید رضی (شماره پنجم مجله تراثنا چاپ قم) ص ۳۱:

السید عبدالعظیم العلوی الحسنی المتوفی ۲۵۴ المدفون بالری، و للصحاب ابن عبّاد رسالة في ترجمة حياته كما أن للصدوق أيضا رسالة «أخبار عبدالعظیم».

۵۷ - حجت الاسلام جناب آقای شیخ مهدی نجف دامت افاضاته در کتاب «الجامع لرواة و اصحاب الامام الرضا علیه السلام» چاپ کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام ج ۱، ص ۳۸۳ - ۳۸۶:

تاریخ وفات حضرت عبدالعظیم را به نقل از آقای طباطبائی ۲۵۴ یاد کرده و سپس گوید: این تاریخ وفات با وفات حضرت عبدالعظیم در زمان امام هادی(ع) که از برخی روایات استفاده می شود نمی سازد؟!:

۵۸ - عبدالعزیز جواهر کلام در تاریخ طهران چاپ ۱۳۲۵ شمسی ص ۶۴:  
نظام الدین ساوجی شاگرد شیخ بهائی و مؤلف تکملة کتاب «جامع عباسی» و «نظام الأقوال فی علم الرجال» و کتاب «الصحيح العباسی» که اخبار صحیحه کتب اربعه را در آن گردآوری و شرح و تحقیق نموده و در سال ۱۰۲۲ از تألیف آن فراغت یافته، ساکن شهر عبدالعظیم و مدرّس مدرسه عبدالعظیم بوده، و شاه عباس صفوی تدریس مدرسه مزبور را به وی واگذار کرده و در سن چهل سالگی درگذشته است.

۵۹ - سید محمد تقی مصطفوی در کتاب «آثار تاریخی طهران» ج ۱، ص ۳۷۲ - ۳۷۵ چاپ ۱۳۶۱:

بنای قدیمی که حرم کنونی باشد از آثار قرن هفتم هجری است که در عهد صفویه و سپس دوران قاجاریه به تکمیل و تزیین آن پرداخته اند صندوق عتیقه منبت

کاری نفیس آن مورخ به سال ۷۲۵ هجری است.

۶۰ - لغت نامه دهخدا ج ۳۱، ص ۶۳:

عبدالعظیم مردی متقی و پرهیزکار و از راویان و ثقات مورد اعتماد علی بن محمد التقی (ع) بود... مرقد او در یک فرسنگی تهران به شهرری (معروف به شاه زاده عبدالعظیم) واقع است و زیارتگاه شیعیان است.

۶۱ - کتاب آستانه ری تألیف محمد علی هدایتی متولی آستانه حضرت عبدالعظیم قبل از انقلاب.

این کتاب در سال ۱۳۴۴ شمسی چاپ شده است.

۶۲ - ری باستان. تألیف دکتر حسین کریمان (از معاصرین) در دو جلد در تهران سال ۱۳۴۵ - ۱۳۴۹ چاپ شده است و در ص ۲۸۴ به بعد جلد اول پیرامون حضرت عبدالعظیم بحث کرده است.

۶۳ - گنجینه دانشمندان تألیف حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای شیخ محمد رازی در نه جلد چاپ شده است شرح حال حضرت عبدالعظیم در ص ۶۰۵ به بعد جلد سوم آمده است.

۶۴ - اختران فروزان ری و طهران تألیف آقای شیخ محمد رازی، در ص ۲۰ - ۵۲ این کتاب شرح حال حضرت عبدالعظیم آمده است.

۶۵ - زندگانی حضرت عبدالعظیم تألیف آقای رازی به زبان فارسی که در سال ۱۳۶۷ هـ ق در ۱۵۱ صفحه در تهران چاپ شده است.

۶۶ - موائد الکریم لزوار عبدالعظیم تألیف مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس حائری.

۶۷ - التذکره العظیمیه تألیف شیخ محمد ابراهیم کلباسی.

۶۸ - عبدالعظیم الحسنی حیات و مسنده تألیف حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عزیز الله عطاردی.

۶۹ - زندگانی حضرت عبدالعظیم تألیف حجت الاسلام و المسلمین احمد صادقی اردستانی.

۷۰ - شرح حال حضرت عبدالعظیم تألیف اعتضادالسلطنه.

- ۷۱- نورالآفاق تألیف حاج شیخ جواد شاه عبدالعظیمی لاریجانی.  
 ۷۲- الخصائص العظیمیه تألیف همان حاج شیخ جواد لاریجانی.

## فصل دوم

### معرفی کتابهای مستقلی که

#### پیرامون حضرت عبدالعظیم نگاشته شده

##### ۱- اخبار عبدالعظیم

شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی متوفای ۳۸۱ و مدفون در شهرری تألیفات فراوانی دارد که عدد آنها را تا حدود سیصد گفته‌اند<sup>۱۰</sup> یکی از این تألیفات که در فهرست نجاشی یاد شده، «جامع کتاب أخبار عبدالعظیم بن عبدالله الحسنى» است.

نگارنده حدس می‌زند نام این کتاب «کتاب جامع أخبار عبدالعظیم...» باشد به قرینه اینکه نجاشی (ره) در تألیفات صدوق چند کتاب را به این نامها یاد کرده است: «کتاب جامع الحج»، «کتاب جامع علل الحج»، «کتاب جامع تفسیر المنزل فی الحج»، «کتاب جامع حجج الانبیاء»، «کتاب جامع حجج الائمة علیهم السلام»، «کتاب جامع فضل الکعبة و الحرم»، «کتاب جامع آداب المسافر للحج»، «کتاب جامع فرض الحج و العمرة»، «کتاب جامع فقه الحج»، «کتاب جامع نوادر الحج»، «کتاب جامع زیارة الرضا علیه السلام».<sup>۱۱</sup>

۱۰- شیخ طوسی در فهرست گوید: له نحو من ثلاثمائة مصنّف. به مجمع الرجال قهبانی ج ۵، ص ۲۶۹ رجوع شود.

۱۱- فهرست نجاشی، چاپ جامعه مدرّسان قم، ص ۳۹۲.

۱۲- همان، ص ۳۸۹ و ۳۹۰.

در این عبارت و اسم: «کتاب اخبار عبدالعظیم...» دو احتمال است. احتمال اول اینکه شیخ صدوق در این کتاب روایات منقوله از حضرت عبدالعظیم را گردآوری کرده باشد. احتمال دوم اینکه در این تألیف روایاتی که پیرامون شخصیت و زندگی و ویژگیهای آن حضرت است آورده باشد. به نظر نگارنده احتمال دوم صحیح است، یکی به خاطر این که در تألیفات شیخ صدوق این عنوانها را می‌بینیم: «کتاب أخبار سلمان وزهده و فضائله»، «کتاب أخبار ابي ذر و فضائله»<sup>۱۳</sup> و روشن است که این دو کتاب پیرامون شخصیت این دو بزرگوار است، و دیگر اینکه کتابهایی که روایات يك راوی در آن گردآوری شود به نام «مسند» نامیده می‌شود مانند «مسند عبدالله بن بکیر»<sup>۱۴</sup> و یا لفظ «مسند» هم به آن افزوده می‌گردد مانند «کتاب أخبار ابي حنیفة رحمه الله تعالى و مسنده» که در فهرست طوسی<sup>۱۵</sup> یاد شده است.

بنابراین کتاب «جامع أخبار عبدالعظیم» مرحوم شیخ صدوق - که متأسفانه نسخه آن در دست نیست - باید شامل همه یا برخی از این قبیل روایات - که در سایر کتب شیخ صدوق به طور پراکنده آمده - باشد.

در کتاب ثواب الاعمال آمده است: محمد بن یحیی العطار عمّن دخل علی ابي الحسن علي بن محمد الهادی علیهما السلام - من أهل الری - قال دخلت علی ابي الحسن العسكري علیه السلام فقال: أين كنت؟ فقلت زرت الحسين علیه السلام، قال: أما إنك لوزرت قبر عبدالعظیم عندکم لکنتم کمن زار الحسين بن علی علیهما السلام.<sup>۱۶</sup>

همین زیارت در کامل الزیارات ابن قولویه هم آمده است.<sup>۱۷</sup>

علاوه امینی در ذیل این حدیث می‌فرماید: گویا این شخص با اینکه در ری

۱۳ - همان، ص ۳۹۱.

۱۴ - فهرست طوسی، چاپ مشهد، ص ۴۳.

۱۵ - همان، ص ۴۳.

۱۶ - ثواب الاعمال، چاپ غفاری، ص ۱۲۴.

۱۷ - کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

بوده به زیارت حضرت عبدالعظیم نمی‌رفته و به مقام و منزلت او آشنا نبوده، از این رو حضرت هادی علیه السلام با این بیان او را به مقام عبدالعظیم آشنا و به زیارت او تشویق کرده است.<sup>۱۸</sup>

و همین روایت در رساله صاحب بن عبّاد نیز یاد شده است.<sup>۱۹</sup>  
و نیز شیخ صدوق (ره) در من لا یحضره الفقیه کتاب الصوم پس از نقل روایتی در مورد صوم یوم الشک می‌فرماید:  
و هذا حدیث غریب لا اعرفه إلا من طریق عبدالعظیم بن عبدالله الحسني المدفون بالري في مقابر الشجرة و كان مرضياً رضي الله عنه.<sup>۲۰</sup>  
و ملا محمد تقی مجلسی در توضیح جمله اخیر فرماید: و كان مرضياً أى مقبولاً عند الأئمة الهداة عليهم السلام او عند أصحابهم أو الأعم كما يظهر من الأخبار...<sup>۲۱</sup>

و در شرح فارسی فقیه فرماید: او مدفون است در جایی که مشهور است به مقابر شجره در ری، و ائمه هدی صلوات الله علیهم از او خشنود بودند و خدمت حضرت امام محمد تقی و حضرت امام علی نقی صلوات الله علیهما رسیده بود و از ایشان بسیار روایت کرده است...<sup>۲۲</sup>

و همچنین، حدیث شامل عرض دین عبدالعظیم بر امام هادی علیه السلام در امالی صدوق در مجلس پنجاه و چهارم آمده است که حضرت در آغاز حدیث فرموده: مرحباً بك يا أبا القاسم أنت ولينا حقاً و در پایان آن فرموده: يا أبا القاسم هذا والله دين الله الذي ارتضاه لعباده فاثبت عليه ثبتك الله بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة.<sup>۲۳</sup>

۱۸ - همان.

۱۹ - نفائس المخطوطات، المجموعة الرابعة، طبع بغداد، و فيها رسالة في أحوال عبدالعظیم الحسنی لصاحب بن عبّاد. ركن: صفحة ۲۰ این رساله.

۲۰ - من لا یحضره الفقیه، چاپ غفاری، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲۱ - روضة المتقین، ج ۳، ص ۳۵۷.

۲۲ - لوامع صاحبقرانی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲۳ - امالی صدوق، چاپ سنگی، ص ۲۰۴.

## ۲ - رساله فی فضل عبدالعظیم

حاجی نوری در خاتمه مستدرک الوسائل<sup>۲۴</sup> می فرماید: و أما عبدالعظیم فهو من أجلاء السادات و سادة الأجلاء نقتصر في ذكر حاله على نقل رسالة من صاحب ابن عباد و صلت الينا بخط بعض بني بابويه تاريخ الخط سنة ۵۱۶ سپس همه رساله را نقل می کند.

علامه طهرانی در ذریعه<sup>۲۵</sup> می نویسد: رساله فی فضل عبدالعظیم و نسبه و وصف حاله للوزیر صاحب أبي القاسم إسماعیل بن عبّاد الدیلمی القزوینی الطالقانی المتوفی ۳۸۵. و هی مختصرة. و جد نسختها بخط أبي المحاسن فی آخر «نهاية» الشيخ الطوسی عند شيخنا العلامة النوری فكتب عنه نسخ، و كتبت أنا نسختی أيضاً عن خطه.

محقق ارجمند حضرت آقای شیخ محمد حسن آل یس این رساله را از روی نسخه مورخ ۱۳۲۴ - که از روی همان نسخه مورخ ۵۱۶ نوشته شده - به صورت خوبی چاپ کرده و در مقدمه آن با اظهار تأسف فرموده:  
آن نسخه کهن معلوم نیست که به کدام يك از کتابخانه های دنیا راه یافته است.<sup>۲۶</sup>

در اینجا به طور اختصار شرح حال صاحب بن عباد را یاد می کنیم.<sup>۲۷</sup>  
تولد او در سال ۳۲۶ و وفاتش در ۲۴ صفر سال ۳۸۵ در «ری» واقع شد.

.....  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسال جامع علوم انسانی

۲۴ - ج ۳، ص ۶۱۴.

۲۵ - ج ۱۶، ص ۲۶۹.

۲۶ - نفائس المخطوطات، المجموعة الرابعة، ص ۱۷.

۲۷ - برای آشنایی بیشتر با این دانشمند ارجمند به کتابهای زیر که در شرح حال او نگاشته و چاپ شده رجوع کنید:

يك: رساله ترجمه احوال و مناقب صاحب بن عبّاد تألیف سید ابوالقاسم کوهانی اصفهانی که در ۱۲۵۹ تألیف شده.

دو: صاحب بن عباد تألیف احمد بهمنیار که در ۱۳۱۴ شمسی تألیف شده.

سه: صاحب بن عبّاد حیات و آدبه تألیف شیخ محمد حسن آل یس سلمه الله.

چهار: هدیه العباد تألیف مرحوم حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی که تازگی به رحمت ایزدی پیوست.

جنازه اش را به اصفهان حمل کردند و در خانه خودش دفن شد.  
صاحب روضات فرموده که قبر صاحب در اصفهان در محله‌ای است معروف  
به باب طوقچی در میدان کهنه و قبه‌ای دارد، در زمان ما چون منهدم شده بود شیخ  
علامه ملا محمد ابراهیم کرباسی امر به تجدید عمارت آن نمود و به زیارت او  
مداومتی داشت.

جناب صاحب را علاوه بر دیوان شعر تألیفات بسیاری است از جمله کتاب  
«محیط» در لغت و کتاب الامامة که در آن تفضیل أميرالمؤمنین علیه السلام و تثبیت  
امامت او را ذکر کرده، و کتاب فضائل النیروز و غیره.<sup>۲۸</sup>

### رساله صاحب

چون این رساله در عین کوتاهی، شامل برخی مطالب است که منحصراً در آن نقل  
شده، همه آن را با تعلیقه‌های آقای آلیس در اینجا نقل می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

[و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين]<sup>۲۹</sup>

سألت عن نسب عبدالعظیم الحسنی المدفون بالشجرة، صاحب المشهد قدس الله  
روحه، و حاله و اعتقاده، و قدر علمه و زهده، و أنا ذاكر ذلك علی اختصارٍ و بالله  
التوفيق.

هو ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علي بن الحسن بن زيد بن الحسن  
بن علي بن أبي طالب عليه و علی ابائه السلام. ذو ورع و دین. عابد معروف  
بالأمانة و صدق اللهجة. عالم بأمور الدين. قائل بالتوحيد و العدل. كثير الحديث  
و الرواية.

۲۸ - به الفوائد الرضوية، ص ۴۵ تا ۵۱ رجوع شود.

۲۹ - زیادة من الناسخ لم تكن في النسخة الآتم.

يروى عن أبي جعفر محمد بن علي بن موسى و عن ابنه أبي الحسن صاحب العسكر عليهم السلام، ولهما اليه رسائل،<sup>٣٠</sup> و يروي عن جماعة من أصحاب موسى بن جعفر و علي بن موسى عليهما السلام، وله كتاب يسميه: «كتاب يوم و ليلة»، و كتب ترجمتها روايات عبدالعظيم بن عبدالله الحسني. و قد روى عنه من رجالات الشيعة خلق: كأحمد بن أبي عبدالله البرقي - أحمد بن محمد بن خالد<sup>٣١</sup> - و أبو تراب الروياني، و خاف من السلطان فطاف البلدان على أنه فيج<sup>٣٢</sup>، ثم ورد الريّ و سكن بسربان<sup>٣٣</sup>، في دار رجل من الشيعة في سكة الموالي، و كان يعبد الله عزّوجل في ذلك السرب [ان] يصوم النهار و يقوم الليل، و يخرج مستتراً فيزور القبر الذي يقابل الآن قبره و بينهما الطريق، و يقول: هو قبر رجل من ولد موسى بن جعفر عليهما السلام، و كان يقع خبره إلي الواحد بعد الواحد من الشيعة حتى عرفه أكثرهم، فرأى رجل من الشيعة في المنام كأنّ رسول الله صلى الله عليه و آله قال: إن رجلاً من ولدي يحمل غداً من سكة المولي فيدفن عند شجرة التفاح في «باغ»<sup>٣٤</sup> عبدالجبار بن عبدالوهاب، فذهب الرجل ليشتري و كان صاحب (الباغ) رأى أيضاً رؤياً في ذلك، فجعل موضع الشجرة مع جميع «الباغ» وقفاً على أهل الشرف و التشيع يدفنون فيه، فمرض عبدالعظيم رحمة

٣٠ - في الأصل: الرسائل.

٣١ - في الأصل: و احمد بن محمد بن خالد، و لكن الواو زائدة، و المقصود هو أحمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علي البرقي، و كان جدّه محمد بن علي ممن حبسه يوسف بن عمر والي العراق بعد قتل زيد بن علي بن الحسين (ع)، ثم قتله، و كان خالد صغير السن فهرب مع أبيه عبدالرحمن إلى برقة قم فأقاموا بها. صنف كتباً كثيرة طبع بعضها. راجع: رجال النجاشي: ٥٥؛ و فهرست الطوسي: ٢٠ - ٢٢؛ و خلاصة الأقوال: ٩.

٣٢ - الفيح: الخادم، و الكلمة من الدخيل.

٣٣ - في الأصل: بساربانان، و هو خطأ من الناسخ صوابه ما ذكرناه في المتن، و المقصود به محلة بالري يروي عن الرشيد قوله: الدنيا أربع منازل - و قد نزلت منها ثلاثاً - احداها دمشق و الروقة و الري و سمرقند، و أرجو أن انزل الرابعة، و لم أر في هذه المنازل الثلاث التي نزلتها موضعاً أحسن من السربان، لأنّه شارع يشق مدينة الري، في وسطه نهرجار، عن جانيه - جميعاً - الاشجار ملتفة متصلة، و بينها الأسواق محتفة. معجم البلدان: ٤١/٥.

٣٤ - الباغ: لفظة فارسية معناها البستان، و ما أدري كيف جوز صاحب نفسه اتحامها و هو العلامة اللغوي الكبير!



الله عليه و مات، فحمل في ذلك اليوم إلى حيث المشهد.

### فضل زيارته

دخل بعض أهل الري على أبي الحسن صاحب العسكر عليه السلام فقال: أين كنت؟، فقال: زرت الحسين صلوات الله عليه، فقال: أما أنك لو زرت قبر عبدالعظيم عندكم لكنت كمن زار الحسين صلوات الله عليه.<sup>٣٥</sup>

### وصف علمه

روى أبو تراب الروياني قال: سمعت أبا حماد الرازي يقول: دخلت على علي بن محمد عليه السلام بسرّ من رأى فسألته عن أشياء من الحلال والحرام فأجابني فيها، فلما ودعته قال لي: يا حماد إذا أشكل عليك شيء من أمر دينك بناحيك فسل عنه عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، وقرأه مني السلام.

### ما روي عنه في التوحيد

روي علي بن الحسين السعد آبادي<sup>٣٦</sup>: عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي قال: حدّثني عبدالعظيم الحسني في خبر طويل يقول: إن الله تبارك وتعالى واحد ليس كمثله شيء، وليس بجسم ولا صورة ولا عرض ولا جوهر، بل هو مجسّم الأجسام. ومصوّر الصور. خالق الأعراض والجواهر.<sup>٣٧</sup>

عبيدالله بن موسى الروياني، عن عبدالعظيم، عن إبراهيم بن أبي محمود<sup>٣٨</sup> قال: قلت للرضا عليه السلام: ما تقول في الحديث الذي يروي الناس بأن الله ينزل إلى السماء الدنيا؟

٣٥- ذكر هذا الحديث الشيخ الصدوق محمد بن علي بن الحسين في كتابه ثواب الأعمال: ٥٦.  
٣٦- علي بن الحسن السعد آبادي أبو الحسن القمي: روى عنه الكليني والزراري وكان معلم ثانيهما، وضحّ حديثه بعض علماء الرجال.

راجع: «منهج المقال»: ٢٣٠، ومنتهى المقال: ٢١٧، وإتقان المقال: ٢٠٧.

٣٧- روى المجلسي هذه الرواية بتفصيل أكثر في بحار الأنوار: ٨٤/٢ و ١٦٩/٩.

٣٨- إبراهيم بن أبي محمود الخراساني ثقة. روى عن الرضا عليه السلام. له كتاب أسماء المؤرخون «مسائل» راجع: رجال نجاشي: ١٨، وفهرست الطوسي: ٨، وخلاصة الأقوال: ٣.

فقال: لعن الله المحرّفين الكلم عن مواضعه، والله ما قال رسول الله صلى الله عليه وآله ذلك. إنما قال: إن الله عزوجل يُنزل ملكاً إلى السماء الدنيا ليلة الجمعة فينادي هل من سائل فأعطيه؟ وذكر الحديث.

و بهذا الاسناد عن الرضا عليه السلام في قوله [تعالى]: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ \* إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ»<sup>٣٦</sup> قال: مشرقة منتظرة ثواب ربها عزوجل.

### ماروى عنه في العدل

روى علي بن الحسين السعدآبادى، عن أحمد بن أبى عبدالله، عن عبدالعظيم بن عبد الله الحسيني، عن علي بن محمد، عن أبىه محمد بن علي، عن أبىه علي بن موسى الرضا عليهم السلام قال: خرج أبو حنيفة من عند الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام فاستقبله موسى عليه السلام فقال: يا غلام ممن المعصية؟ فقال: لا تخلو من ثلاثة:

إمّا أن تكون من الله عزوجل وليس منه، فلا ينبغي للكريم أن يعذب عبده بما لم يكتسبه.

و إمّا تكون من الله ومن العبد، فلا ينبغي للشريك القوي أن يظلم الشريك الضعيف.

و إمّا أن تكون من العبد وهي منه، فإن عاقبه فبذنبه، وإن عفا عنه فيكرمه موجوده. وروى عبيد الله بن موسى، عن عبدالعظيم، عن إبراهيم بن أبى محمود قال: قال الرضا عليه السلام: ثمانية أشياء لا تكون إلا بقضاء الله وقدره: النوم واليقظة، والقوة والضعف، والصحة والمرض، والموت والحياة.

ثبتنا الله بالقول الثابت من موالاة محمد وآله، وصلى الله على سيدنا رسوله محمد وآله اجمعين.

### ٣ - جنّات النعيم في أحوال سيدنا الشريف عبدالعظيم

ملا محمد اسماعيل فدائى كزازى اراكى در گذشته ١٢٦٣ از اعظم علما عصر

٣٩ - سورة القيامة (٧٥): ٢٢ - ٢٣.

خود بوده، علامه تهرانی در اعلام الشیعة سده سیزدهم او را به عنوان: عالم فقیه، رجالی متبحر، متتبع مضطلع، متعلم بارع یاد کرده است. تألیفات فراوانی داشته است که تعدادی از آنها را نواده او به کتابخانه مسجد اعظم قم اهداء کرده است.

۱- الاشعة البدرية. شرح رساله جعفریه محقق کرکی است. سه نسخه از آن در کتابخانه مسجد اعظم موجود است.

۲- قرة العين الناظرة. شرح تبصره علامه حلی است. نسخه‌ای از آن در همان کتابخانه است.

۳- کفایة الطالب. شرح مختصر ابن حاجب در اصول فقه است. دو نسخه از آن در همان کتابخانه است.

۴- شرح رساله شکیه علامه مجلسی به زبان عربی. نسخه‌ای از آن در همان کتابخانه است.

۵- رساله در عدم وجوب صلوات هنگام بردن نام رسول خدا صلی الله علیه و آله. این رساله را در ردّ رساله خاتون آبادی که در وجوب آن نوشته بوده تألیف کرده است. نسخه‌ای از آن در همان کتابخانه موجود است.

۶- العقیده الوحیده. منظومه‌ای است در علم کلام شامل ۱۰۰۲ بیت. که سه نسخه از آن در همان کتابخانه، و نسخه چهارمی هم در کتابخانه حسینیّه شوشتریهای نجف اشرف بوده است. و علامه طهرانی این نسخه اخیر را دیده که حواشی از مؤلف داشته. و فرموده از این نوشته‌ها مهارت او در انواع علوم معلوم می‌شود.

۷- ترجمه همان العقیده الوحیده. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم است.

۸- ترجمه منظومه پیرامون شك و سهو در نماز. نسخه‌ای از آن در همان کتابخانه است.

۹- جنات النعیم. همان کتاب مورد بحث ما است. و نسخه‌ای از آن در همان

کتابخانه موجود است.<sup>۴۰</sup>

علامه طهرانی در اعلام الشیعة فرموده: در پایان نسخه منظومه العقیده الوحیده، بیست و چند جلد از تألیفات او به زبان فارسی و عربی در فقه و اصول و تاریخ و رجال و کلام و غیرها یاد شده است. و سپس نام هجده کتاب از آن بیست و چند کتاب را ذکر می‌کند که پنج‌تای آنها همانهایی است که در بالا یاد شد.<sup>۴۱</sup> تاریخ وفات او در این شعر آمده است.

به سال واقعه‌اش کلك فكر زد شهپر

نوشت صورت تاریخ: ذوفنون عراق

۱۲۶۳

کتاب جنات‌النعمیم به زبان عربی حدود دویست صفحهموزیری و در تاریخ ۱۲۳۰

تألیف شده و شامل مقدمه و هشت فردوس و خاتمه است.

مقدمه در بیان اینکه چرا امامت در نسل امام حسن (ع) قرار داده نشد.

فردوس اول پیرامون اسم و رسم حضرت عبدالعظیم و آنچه صاحبان

کتابهای رجالی در باره او گفته‌اند.

فردوس دوم در بیان و شرح سند مطالب و روایاتی که پیرامون آن حضرت

در فردوس اول یاد شد.

فردوس سوم پیرامون آباء گرامی آن حضرت (عبدالله - علی - حسن - زید).

فردوس چهارم در بیان فضائل عامه آن حضرت که شامل سایر امام زاده‌ها

هم می‌شود.

فردوس پنجم در بیان فضائل عامه آن حضرت که شامل سایر علمای عاملین

هم می‌شود.

فردوس ششم در معرفی راویان او (هشت نفر).

فردوس هفتم در معرفی مشایخ او و کسانی که از آنها روایت کرده است به

۴۰ - به فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم ص ۲۲ و ۲۱۴ و ۲۹۳ و ۴۶۰ و ۶۳۵ رجوع شود.

۴۱ - اعلام الشیعه، قرن سیزدهم، ص ۱۳۱.

ترتیب حروف تهجی؛ حدود بیست نفر یاد شده است.  
فردوس هشتم در روایات منقوله از آن حضرت؛ در این بخش شصت روایت  
و در ذیل هر روایت روایات مشابه آن و مطالب دیگر را آورده است.  
خاتمه در بیان احوال اولاد امام حسن از غیر زید که جدّ حضرت عبدالعظیم  
است.

بسیار مناسب است این کتاب پر ارج توسط بخش فرهنگی آستان حضرت  
عبدالعظیم چاپ و نشر گردد و از این راه مؤلف ارجمند آن هم تجلیل شود.

#### ۴ - شرح حال حضرت عبدالعظیم

علی قلی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار حدود سال ۱۲۳۴ قمری به دنیا آمد. در  
سال ۱۲۵۰ که برادرزاده اش محمد شاه قاجار در طهران وفات یافت و زمام کارها  
به دست همسرش مهد علیا مادر ناصرالدین شاه ولیعهد که در تبریز بود افتاد، به  
سمت پیشکاری مهد علیا به اداره امور طهران مشغول شد. در سال ۱۲۷۲ به لقب  
اعتضاد السلطنه ملقب و در سال ۱۲۷۴ به ریاست مدرسه دارالفنون رسید و در سال ۱۲۷۵ که  
اولین خط تلگرافی بین تهران و تبریز را کشید به لقب وزیر علوم ارتقاء یافت و  
بتدریج عهده دار مشاغل مهمتری گردید. در سال ۱۲۸۳ وزارت علوم و صنایع و  
تجارت و ریاست دارالفنون و اداره تلگرافخانه ها و معادن و روزنامه های دولتی و  
علمی و چاپخانه های شهر طهران و ولایات و کارخانه ها و حکومت ملایر و  
تویسرکان همه به عهده او بود و در سال ۱۲۸۳ به نشر روزنامه ادبی «ملت سنیّه  
ایران» پرداخت که تا سال ۱۲۸۷ دوام داشت و سی و سه شماره از آن منتشر شد.  
هر شماره شرح حال یکی از شعرای قدیم را حاوی بود.

اعتضاد السلطنه مانند غالب پسران فتحعلی شاه شعر می گفت و در شعر  
«فخری» تخلص می نمود. وی به سال ۱۲۹۸ در طهران در حدود شصت و چهار  
سالگی وفات یافت و در یکی از حجرات جنب مزار حضرت عبدالعظیم مدفون  
گردید. از تألیفات او تاریخ افغانستان، فتنه باب و فلك السعاده در نجوم است که

هر سه چاپ شده است.<sup>۴۲</sup>

اعتماد السلطنه در باره او گوید: در این عهد جاوید مهد، از رجال و اعیان احدی به قدر وی ترویج علم و دانش و هنر نکرد. مکرر ناصرالدین شاه می گفت: ثلث مردم ایران را علی قلی میرزا تربیت کرد. و به عزت و اعتبار و انتشار اسم و اشتها او نیز در این دولت کسی نرسید... از مجالست علماء و افاضل و مذاکرات علوم و فضائل هیچ وقت ملالت نمی یافت و کسالت نمی گرفت. به مجلس مذاکرات علمیه در جمیع فنون عتیقه آسیائی و معارف طریفه و صناعات جدیده اروپایی با اساتید آنها مشارکت حاذقانه می کرد و مخصوصاً در حکمت متوسطه مشرق زمینی خود از اساتید به شمار می آمد و در تاریخ و اسطرلاب و هندسه و بسیاری از مسائل، کتابها و رسائل ساخته است...<sup>۴۳</sup>

کتابخانه مهم و معتبری جمع آوری نموده بود که بعدها نصیب سپهسالار بانی مدرسه سپهسالار جدید (شهید مطهری) شد که از آن کتابها همین شرح حال حضرت عبدالعظیم است که دو نسخه آن در کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود است و نگارنده این سطور (با طی کردن هفت خان...) عکسی از این دو نسخه با تحمل مخارج سنگین فراهم کرده است. امیدوارم هر چه زودتر راه استفاده از نسخه های خطی این کتابخانه مهم آسان گردد و اولیاء آن مدرسه و کتابخانه به این واقعیت واقف شوند که کتابخانه برای استفاده علاقه مندان است نه برای حبس نسخه ها و دور نگاهداشتن آنها از استفاده اهل فضل.

اعتضاد السلطنه تاریخ احوال مبارك حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و احوال عبدالله ایض را نوشته در «جنگ» خویش به طور مسوده ضبط کرده بود. میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله از او خواست که آن رساله را برای او استنساخ کنند او هم پاکتویس کرد و برای او ارسال داشت. این کار در سال ۱۲۹۳ انجام شده است.<sup>۴۴</sup>

۴۲ - فهرست مؤلفین کتب چاپی، ج ۴، ص ۵۶۹ - ۵۷۱.

۴۳ - المآثر و الآثار، ص ۱۹۳.

۴۴ - آغاز یکی از دو نسخه خطی موجود در کتابخانه مدرسه شهید مطهری. در پایان این نسخه شرح حال



پس از این تاریخ، ناصرالدین شاه از او می‌خواهد که انساب طهارت نصاب و شرحی از احوال سعادت مآل حضرت عبدالعظیم علیه آلاف التحية و التکریم و برخی از امامزادگان دیگر که اینک روضه مقدسش در ارض ری مطاف خاص و عام است ایراد نماید و از تطویل و ایجاز و تعقید کناره گیرد. پس از این دستور و تقاضا، اعتضاد السلطنه بار دیگر آن رساله قبل را تحریر و پاکنویس می‌کند و به صورت جدیدی در می‌آورد که نسخه‌ای از این کار هم در کتابخانه شهید مطهری موجود است و اینک به معرفی آن می‌پردازیم.

این رساله به زبان فارسی و ۱۱۴ صفحه (هر صفحه ۹ سطر) است. پس از دیباچه شرح حال زید بن حسن علیه السلام جد سوم حضرت عبدالعظیم و نیز شرح حال دختر او نفیسه را (که در مصر مدفون است و اهل مصر او را ست نفیسه خوانند و به زیارت قبر او می‌روند و خیلی او را تعظیم و تجلیل می‌نمایند) آورده است.

سپس شرح حال جد دوم او حسن بن زید را به تفصیل آورده است. آنگاه شرح حال جد اول او علی الشدید بن حسن بن زید و سپس شرح حال پدر او عبدالله بن علی بن حسن بن زید و در پایان شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السلام را آورده و در این بخش مطالب سودمندی دارد. پس از تمام شدن این قسمت، به شرح حال امامزاده عبدالله و پدران او و نیز به شرح حال امامزاده حمزه پرداخته است. پیرامون قبر بی بی زبیده و بی بی شهربانو نیز مطالبی دارد.

تاریخ کتابت این نسخه ۱۲۹۶ می‌باشد و مناسب است این رساله تحقیق و چاپ شود؛ زیرا برخی نکات تازه و قابل توجه در آن دیده می‌شود، مثلاً می‌گوید: به هر حال آن مکان شریف بعد از آنکه مدفن امامزاده لازم التعظیم حضرت عبدالعظیم علیه السلام شد، در اکثر ازمنه محترم بوده و متولیان آن بقعه متبرکه که از سادات صحیح النسب می‌باشند علاوه بر ریاست ملّتی غالباً ریاست دولتی نیز

.....

→  
حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام هم هست.

داشته‌اند مثل ایالت ولایت طهران و اطراف آن. سلاطین صفویه مخصوصاً به جهت زیارت این قبر شریف از اصفهان به جانب ری نهضت می‌نمودند چنانکه اسکندربیک منشی در چند موضع از تاریخ عالم آرای عباسی تفصیل آن را ایراد نموده و بناهای قدیم آن مکان شریف از شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول است....

## ۵ - جنة النعيم و العیش السليم

فی احوال السید الکریم و المحدث العليم

عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی علیه السلام و التکریم<sup>۴۵</sup> = روح و ریحان

تألیف ملا محمد باقر بن ملا محمد اسماعیل بن عبدالعظیم بن محمد باقر مازندرانی کجوری طهرانی (در تهران ساکن بوده است) متوفای ۱۳۱۳ در مشهد مقدس رضوی.

این کتاب به زبان فارسی و در سال ۱۲۹۵ - ۱۲۹۸ قمری تألیف و چاپ آن در ۵۵۲ صفحه رحلی + ۲۲ صفحه فهرست به انجام رسیده و دارای مقدمه و بیست و چهار «روح و ریحان» و خاتمه است.

مقدمه دارای سه عنوان: ۱ - کثرت نسل سادات ۲ - فضائل سادات ۳ - خصائص سادات. ص ۹ - ۵۴.

روح و ریحان اول: در عدد اولاد ذکور و إناث امام حسن علیه السلام ۵۵ - ۶۹.

روح و ریحان دوم: شرح حال حسن مثنی ۷۰ - ۸۳.

روح و ریحان سوم: پیرامون زید جد سوم حضرت عبدالعظیم ۸۴ - ۱۰۱.

روح و ریحان چهارم: شرح حال پدر و سایر اجداد حضرت عبدالعظیم ۱۰۲ - ۱۰۹.

روح و ریحان پنجم: در کنیه و لقب و اسم مبارک آن حضرت ۱۱۰ - ۱۲۳.

.....  
۴۵ - الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۹۶.



روح وریحان ششم: شرح حال زوجه و برادران و فرزندان او ۱۲۴ - ۱۲۵.  
روح وریحان هفتم: توضیح اینکه آن حضرت خدمت سه امام رسیده است  
۱۲۶ - ۱۲۵.

روح وریحان هشتم: شرح حدیث ابا حماد رازی که در رساله صاحب بن  
عبّاد نقل شده که حضرت هادی علیه السلام او را برای اخذ احکام دین به  
عبدالعظیم ارجاع داده است ۱۲۷ - ۱۳۳.

روح وریحان نهم: شرح حدیث عرض دین عبدالعظیم خدمت امام هادی  
علیه السلام ۱۳۴ - ۳۲۷.

مفصلترین بخش این کتاب این بخش است.

روح وریحان دهم: شرح هجرت آن حضرت به حدود ری ۳۲۸ - ۳۳۱.  
روح وریحان یازدهم: شرح احادیث مرویه از آن حضرت «۵۷ حدیث»  
۳۳۲ - ۳۹۰.

روح وریحان دوازدهم: شرح مدفن آن حضرت و بنای ری و مدح عجم  
۳۹۰ - ۳۹۷.

روح وریحان سیزدهم: وفات و شهادت آن حضرت ۳۹۸ - ۴۰۳.

روح وریحان چهاردهم: ثواب زیارت آن حضرت ۴۰۳ - ۴۲۰.

در این بخش دو زیارتنامه برای آن حضرت انشا شده است.

روح وریحان پانزدهم: در آداب زائر و زیارت و خدام قبور ائمه علیهم السلام.  
۴۲۰ - ۴۴۶.

روح وریحان شانزدهم: در شرح بناء قبه آن حضرت و حُسن آبادی مساجد  
۴۴۶ - ۴۷۷.

روح وریحان هفدهم: در اقوال علما پیرامون جلالت قدر آن حضرت ۴۷۸  
۴۸۴ - ۴۸۴.

روح وریحان هجدهم: شرح احوال امام زاده حمزه ۴۸۴ - ۴۹۰.

روح وریحان نوزدهم: شرح حال امام زاده عبدالله ایض ۴۹۰ - ۴۹۳.

روح وریحان بیستم: شرح حال امام زاده قاضی صابر ونك ۴۹۳ - ۴۹۵.

روح و ریحان بیست و یکم: شرح حال امام زاده طاهر ۴۹۵ - ۴۹۷.  
روح و ریحان بیست و دوم: در امام زادگانی که به ری وارد شده‌اند ۴۹۷ -  
۵۰۷.

روح و ریحان بیست و سوم: شرح حال علمایی که در زاویه حضرت  
عبدالعظیم و اطراف آن مدفونند ۵۰۷ - ۵۳۲.

روح و ریحان بیست و چهارم: در خوابهایی که در تعظیم روضه مبارکه آن  
حضرت دیده شده ۵۳۲ - ۵۳۹.

خاتمه: شامل تقریظهای منظوم بر این کتاب ۵۴۰ - ۵۴۸.

و در پایان صورت موقوفات حضرت عبدالعظیم ذکر شده است، این کتاب  
پر است از مطالب سودمند علمی و غیره. فهرست تفصیلی مطالب کتاب در ۲۲  
صفحه در آغاز کتاب چاپ شده است. خدای منان مؤلف جلیل القدر آن را رحمت  
کناد.

#### ۶ - الخصائص العظیمیة

حاج ملا علی کنی متوفای ۱۳۰۶ دامادی داشته است به نام حاج شیخ مهدی بن  
ملا رجبعلی لاریجانی شاه عبدالعظیمی.

حاج شیخ مهدی آنطور که در ذریعه ۱۶۹/۷ آمده در سال ۱۳۰۸ و آنطور  
که در کتاب اختران فروزان ری ص ۸۰ گفته شده حدود سال ۱۳۱۴ برای زیارت  
به مشهد مقدس رفت و همانجا وفات کرد. *انسانی و مطالعات فرهنگی*  
حاج شیخ مهدی فرزندی داشت، یکی از آنها حاج شیخ جواد است که  
در سال ۱۳۵۵ از دنیا رفته و در ایوان آئینه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم دفن شده  
است.

او از شاگردان میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم  
خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی صاحب عروه بوده و در حرم حضرت  
عبدالعظیم به وظائف دینی از امامت جماعت و غیره اشتغال داشته است.  
یکی از تألیفات او الخصائص العظیمیة است که در ۶۳ صفحه جیبی در

سال ۱۳۱۸ قمری چاپ سنگی شده است.<sup>۴۶</sup>

## ۷ - نورالآفاق = فوزالآفاق<sup>۴۷</sup>

این کتاب به زبان فارسی تألیف همان حاج شیخ جواد شاه عبدالعظیمی است که در سال ۱۳۴۳ تألیف شده<sup>۴۸</sup> و در سال ۱۳۴۴ در ۱۳۰ صفحه جیبی توسط فرزندش شیخ مهدی بن شیخ جواد (و به عبارت خود او: خادم شریعت مطهره حاج شیخ مهدی سلطان العلماء نجفی نظام التولیه و خزانه دار حضرت عبدالعظیم علیه السلام) چاپ شده است و نسخه چاپی آن در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است.

نام این کتاب نورالآفاق است و در ذریعه علامه طهرانی ج ۱۶ ص ۳۶۷ و در فهرست کتب فارسی چاپی خانابا مشار چاپ اول ج ۱، ص ۱۱۹۵ به اشتباه «فوزالآفاق» نامیده شده است. اما در ذریعه ج ۲۴ ص ۳۵۵ نام صحیح آن «نورالآفاق» یاد شده است.

حضرت آقای رازی در کتاب «اختران فروزان ری و طهران» ص ۷۹ می نویسد: شیخ جواد کنی فرزند دوم حاج شیخ مهدی لاریجانی و سبط علامه کنی در شهر ری به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات و سطوح در ری و تهران به نجف اشرف مهاجرت، و از محضر حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی استفاده نمود و پس از آن به ری مراجعت و بعد از وفات برادرش حاج شیخ آقا بزرگ در مسجد صحن به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخت و منبری شیرین داشت... تصنیفاتی مانند «نورالآفاق» که در سال ۱۳۴۴ چاپ شده است و چیزهای دیگر هم مانند خصائص عظیمیه در شرح حال حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام به رشته تحریر آورده که چندان مفید نیست. در سوم جمادی الآخره

۴۶ - فهرست کتب چاپی فارسی، ج ۱، ص ۶۰۷.

۴۷ - از حضرت آقای حاج سید محمود مرعشی ریاست کتابخانه آیت الله مرعشی تشکر می شود که عکس نسخه این کتاب را در اختیار این جانب قرار دادند.

۴۸ - به صفحه ۲۰ نورالآفاق رجوع شود.

۱۳۵۸ قمری از دنیا رفت و در ایوان مطهر حضرت عبدالعظیم کنار برادرش مدفون شد (پایان کلام آقای رازی).

در کتاب نورالآفاق مطالب تازه‌ای دیده می‌شود که هر کدام دلیلی بر بی‌اعتباری این کتاب می‌تواند باشد:

مطلب اول: می‌گوید: حدیث شریف کساء صحیحاً از دوازده کتاب معتبر که شش کتاب از کتب معتبره شیعه و شش کتاب از کتب معتبره عامه است به اختلاف نسخ مرسلأ و معنعناً نقل شده:

۱- فی «مناقب العترة» عن احمد بن محمد بن فهد الحلّی مرسلأ عن زيد بن الحسن بن الامام عن أم سلمة عن فاطمة الزهراء سلام الله عليها.

۲- فی ذخائر العقبی عن واصله بن الاسقع.

۳- وفی دررالسمطین فی مناقب السبطین عن جمال الدین الزرندي المدني معنعناً عن الصادق علیه السلام عن محمد الباقر عن زین العابدین عن الحسین بن علی عن الحسن علیه السلام فی خطبته.

۴- وفی کنوز المناقب عن ابن مسعود عن علی بن الحسین علیهما السلام.

۵- وفی المنتخب عن الشیخ الطریحی.

۶- وفی صحیح البخاری عن عائشه أم المؤمنین.

۷- وفی سنن الترمذی فی مناقب أهل البيت عن زینب ربیبة النبی صلی الله علیه وآله عن عائشة.

۸- وفی شرح الکبریة الأحمر لعلاء الدین السمنانی عن البیهقی عن عائشة.

۹- وفی جواهر العقیدین فی قصص عجیبة لأهل بیت النبوة.

۱۰- و عن الملاً فی سیرته عن عمرو بن أبی سلمة.

۱۱- وفی قصص النبوة فی بركات أهل بیت النبوة.

۱۲- و عن الغثا فی عن حفصة بنت عمر فی معجمه.

و سمعت شیخی الثقة الحاج شیخ محمد حسین السیستانی فی سند هذا الحدیث الشریف قال سمعت عن سید حسن بن سید مرتضی الیزدی قال روى

صاحب العوالم فى الجلد ۶۲ فى احوالات ام ائمة الطاهرين روى صاحب العوالم الشيخ عبدالله البحرانى عن شيخه سيد هاشم البحرانى عن شيخه الجليل السيد ماجد البحرانى عن الحسن بن زين الدين الشهيد الثانى عن شيخه مقدس الأردبيلى عن شيخه على بن عبدالعال الكركى عن الشيخ على بن هلال الجزائرى عن الشيخ على بن الخازن الحائرى عن الشيخ احمد بن فهد الحلّى عن الشيخ ضياء الدين على بن الشهيد الاول عن ابيه الشهيد الاول عن فخر المحققين عن شيخه علامة الحلّى عن شيخه المحقق عن شيخه ابن نماء الحلّى عن شيخه محمد ابن ادريس الحلّى عن ابن حمزة الطوسى صاحب ثاقب المناقب عن الشيخ الجليل محمد بن شهر آشوب عن الطبرسى صاحب الاحتجاج عن شيخه الجليل حسن بن محمد بن حسن الطوسى عن ابيه شيخ الطائفة عن شيخه المفيد عن شيخه ابن قولويه القمى عن شيخ الكلينى عن على بن ابراهيم عن ابيه ابراهيم بن هاشم عن احمد بن محمد بن ابى نصر البزنطى عن قاسم بن يحيى الحدّاء الكوفى أبى بصير عن ابان بن تغلب البكرى عن جابر بن يزيد الجعفى عن جابر بن عبدالله الانصارى عن فاطمة الزهراء عليها السلام بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال سمعت عن فاطمة الزهراء عليها السلام انها قالت دخل على ابن....

مطلب دوم: تولد و وفات حضرت عبدالعظيم را در پنجشنبه ۴ ربيع الآخر ۱۷۳ و ۱۵ شوال ۲۵۲ دانسته و اين مطلب را از كتاب «نزهة الابرار فى نسب اولاد الأئمة الاطهار» تأليف سيد موسى موسوى برزنجى شافعى مدنى، و كتاب «طبقات الاشراف» تأليف نورالدين مكى حنفى كه در مضر قاضى القضاة بوده، و كتاب «مناقب العترة» تأليف احمد بن محمد بن فهد حلّى نقل کرده است.

و از كتاب اول نقل کرده كه حضرت عبدالعظيم قد ادرك الرضا و التقى و النقى عليهم السلام - و كان من أصحابهم و روى عنهم - و العسكرى فى صغره و روى زيارته كزيارة الحسين و الرضا.

و از كتاب دوم نقل کرده: و اعقاب عبدالعظيم كثيرة فى المدينة و البصرة و مصر العتيق.

و از كتاب سوم نقل کرده: توفى فى مسجد الشجرة... و دفن عند شجرة

التفاح فی باغ رجل من الشيعة....

در ص ۴۳ می نویسد: چون وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام از زمان وفات آن حضرت تا ۱۳۰۹ هجری معلوم نبوده، آقای والد (حاج شیخ مهدی) و این خادم شرع انور در سفر مکه معظمه و تشریف مدینه منوره از کتب معتبره به دست آورده و از آن سال تاکنون در آستانه قدس آن حضرت و تهران اقامه عزاداری را معمول نموده که چون روز قتل، اصناف محترم مخصوص اصناف زاویه مقدسه دکاکین را تعطیل نموده با دسته سینه زن و زنجیر زن به صحن مبارک مشرف شده....

مطلب سوم: در ص ۸۲ می نویسد: چون تاریخ تولد و وفات حضرت معصومه سلام الله علیها تا این زمان بر عامه خلق مکتوم و غیر معلوم بود جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ جواد مجتهد (یعنی مؤلف) در مسافرت مکه معظمه زادهای الله شرفاً و تعظیماً در مدینه طیبه در کتابخانه مبارکه به زحمت زیاد به دست آورده و در کتاب «نزهة الابرار فی نسب اولاد الائمة الاطهار» و در کتاب «لواقح الانوار فی طبقات الاخیار» که کتاب مفصلی است نقل می فرماید: ولدت فاطمة بنت موسی بن جعفر فی المدينة المنورة غرة ذی القعدة الحرام سنة ۱۷۳ و توفیت فی العاشر من ربیع الثانی سنة ۲۰۱.

مطلب چهارم: از هفتصد سال قبل ابا عن جد از خدام والامقامش محسوب می شویم و به ترویج شریعت مطهره در این آستانه مقدسه مشغول بوده ایم و فعلاً بحمدالله تعالی به ترویج شریعت مطهره و نظم آن آستانه مبارکه و خازنی آن حضرت مشغول می باشم.

مطلب پنجم: می نویسد: در التحفة العظیمیة (تألیف خود حاج شیخ جواد) مسطور است که صاحب معجم البلدان می نویسد در سنه ۶۰۰ وارد ری شدم شهر بزرگی دیدم انهار جاریه، اشجار کثیره، و مدارس متعدده، و اعظم ایشان مدرسه سید ابوالفتوح رازی بوده که چهار صد مرد فقیه در آن تدریس می کردند و تمام مدرسه از کاشی کبود بود....

نگارنده این رساله پس از نگاه کردن کتاب نورالآفاق و آگاهی بر محتوای

آن به این نتیجه رسیده که مطالب تازه این کتاب بی اساس و غیر معتبر است<sup>۴۹</sup> و حمل بر صحت آن این است که این حاج شیخ جواد در نقل مطالب به کسانی اعتماد می کرده است که قابل اعتماد نبوده اند و احیاناً از کتابهای جعلی و مخترع و مختلق مطالبی را یاد می کرده اند.

و مطالبی که از آن کتاب نقل شد برای اهل فضل و اطلاع می تواند بهترین گواه بر بی اعتباری این کتاب باشد.

و تاریخ تولد و وفاتی که برای حضرت عبدالعظیم و حضرت معصومه (س) در این کتاب یاد شده بی اساس است و نباید به آن توجه شود.

و متأسفانه این تاریخها از این کتاب به کتابهایی از قبیل «بدائع الانساب» لاهوتی و «تذکره عظیمیه کلباسی» و کتاب آقای صادقی اردستانی نفوذ کرده است:

در بدائع الانساب ص ۳۹ می نویسد: یکی از معاصرین این حقیر نقل کرد از کتاب نزهه الابرار سید موسی شافعی و مناقب العتره احمد بن محمد بن فهد حلّی و تاریخ نورالدین محمد السمهودی که ولادت عبدالعظیم پنجشنبه ۴ ربیع الثانی سال ۱۷۳ در مدینه و وفاتش در ری ۱۵ شوال ۲۵۲، و این حقیر هیچ کدام از کتابهای مذکور را ندیده ام.

در تذکره عظیمیه ص ۱۰۲ - ۱۰۶ مطالب نورالآفاق را بتمامه نقل نموده است و از مؤلف به عنوان محدث علمیم؟! یاد کرده است.

#### ۸ - ۱۰ - تذکره ری - التحفة العظیمیه - الاخبار العظیمیه

این سه کتاب هم به نوشته خود آن حاج شیخ جواد در کتاب نورالآفاق ص ۲۱ و ۱۰۶، از تألیفات اوست که چاپ نشده و هیچ اطلاعی از آنها نداریم<sup>۵۰</sup> اما اگر این

۴۹ - آنچه از باقوت حموی نقل کرده در معجم البلدان باید باشد که نیست. ادعای سابقه هفتصد سال خادم و خازن بودن؟! تاریخ تولد و وفات حضرت معصومه را از کتاب «لوائح الانوار»؟! و تاریخ تولد و وفات حضرت عبدالعظیم را از سه کتاب که نشانی از آن کتابها در دست نیست و منقولات آن (همین مقدار که نقل شده) بر از اشکال است و نقل حدیث شریف کساء با سندی آنگونه و مصادری آنچنان که در متن نقل شد... عصمنا الله من الزلل.

۵۰ - به اعلام السیعه قرن چهارم، ص ۳۴۴ و گنجینه دانشمندان آقای رازی، ج ۳، ص ۶۸۳ رجوع شود.

سه کتاب هم مانند کتاب نورالآفاق او باشد نباید اینها را از مصادر معتبر شرح حال حضرت عبدالعظیم به شمار آوریم.

از تألیفات دیگر او که باز در نورالآفاق یاد شده است: تحفة الفقهاء فی تذكرة العلماء، زبدة الانساب، تحفة الفاطمية (که شاید پیرامون حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها باشد). و نیز شرح حال شیخ ابوالفتوح رازی که ضمیمه کتاب نورالآفاق او چاپ شده و در سال ۱۳۲۰ محمد الغروی الشریبانی (ظ فاضل شریبانی) بر آن تقریظ نوشته است.

در اینجا مناسب است یادآوری شود که ضرر و زیان نوشته‌های سست و بی‌مدرك، و سهل‌انگاری در نقل مطالب، قابل اغماض نیست. نویسنده متعهد و متدین باید ملزم باشد که مطالب سست و غیر مستند نقل نکند (مگر مطالبی که از ابعاد آموزنده آن می‌توان بهره برد مانند نقل داستانهایی که گاهی به جعلی بودن آن اطمینان پیدا می‌شود) و در صورت نقل، خواننده را به بی‌اعتباری و سستی آن واقف سازد.

خدای نکرده برخی از گویندگان و نویسندگان مانند آن کسی نباشند که می‌گفت: چون مردم به قرآن بی‌توجه بودند حدیثی در فضائل قرائت سور قرآن جعل کرده و منتشر ساختم تا به قرآن توجه شود!!<sup>۵۱</sup>

## ۱۱- التذكرة العظيمة

این کتاب به زبان فارسی تألیف مرحوم حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد ابراهیم (بن میرزا عبدالرحیم بن شیخ محمد رضا بن حاجی کلباسی) است متوفای ۱۳۶۲ و مدفون در ری در مدرسه امین السلطان مقبره معاریان و صاحب تألیفات متعدد که یکی از آنها به نام الفوائد السنیه شامل شش رساله چاپ شده است. این کتاب در سال ۱۳۴۶ تألیف شده و در دوست صفحه رقعی گویا در همان سال چاپ شده است. و شامل مقدمه و دوازده تذکره و خاتمه است.

.....  
۵۱- نگاه کنید به کتاب درایه شهید نانی.



مقدمه: در بیان فضائل و خصائص سادات (شصت فضیلت یاد شده است).  
تذکره اول: بیان نسب و اجداد و پدر حضرت عبدالعظیم.  
تذکره دوم: بیان برادر و زوجه و اولاد آن حضرت.  
تذکره سوم: بیان فضائل آن حضرت در سه مقام.  
تذکره چهارم: بیان حدیث عرض دین آن حضرت به امام هادی (ع).  
تذکره پنجم: بیان هجرت آن حضرت به ری و بیان اقسام هجرت از مدوح و مذموم.

تذکره ششم: بیان احادیث مرویه از آن حضرت (چهل حدیث یاد شده).  
تذکره هفتم: بیان مدفن آن حضرت.  
تذکره هشتم: بیان وفات و شهادت آن حضرت.  
تذکره نهم: بیان ثواب زیارت آن حضرت.  
تذکره دهم: بیان آداب زیارت و معنی آن و وظیفه خدام و...  
تذکره یازدهم: بیان بانی قبه مبارک آن حضرت.  
تذکره دوازدهم: بیان اقوال علما در فضیلت حضرت عبدالعظیم.  
خاتمه: شامل پنج تبصره: ۱- شرح حال امامزاده حمزه ۲- اجمالی از حال سایر امام زاده‌ها ۳- شرح حال شیخ صدوق ۴- شرح حال حاجی کلباسی ۵- بیان رد فتاوی و خرافات طائفه وهابیه.  
کتاب التذکره العظیمیه از کتابهای خوب و سودمند می باشد و مناسب است به صورت خوبی تجدید چاپ شود.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
راهنمای جمع علوم انسانی

## ۱۲- زندگانی حضرت عبدالعظیم

این کتاب به زبان فارسی تألیف حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد رازی (دام عزه) مؤلف کتابهای: آثار الحجة، گنجینه دانشمندان، اختران فروزان ری و طهران و شرح حال حاج شیخ محمد تقی بافقی و غیره است. در سال ۱۳۶۵ ق تألیف و در سال ۱۳۶۷ ق در ۱۵۲ صفحه رقعی در تهران چاپ شده است. کتاب شامل دیباچه و دو باب و خاتمه (باب اول چهار فصل و باب دوم هشت

فصل و خاتمه چهار فصل) است.

از این کتاب در فصل سوم این رساله که پاسخ به پرسشهایی پیرامون حضرت عبدالعظیم است استفاده خواهد شد.

### ۱۳ - عبدالعظیم الحسنی حیات و مسنده

این کتاب به زبان فارسی، تألیف حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عزیزالله عطاردی قوچانی (مؤلف کتابهای ارزنده متعدد مانند مسند الرضا و مسند الکاظم و مسند الجواد و مسند الهادی و مسند الامام العسکری علیهم السلام که همه چاپ شده) است.

تاریخ تألیف آن ۱۳۸۲ق و در ۱۳۴۲ش در ۳۲۰ صفحه وزیری چاپ شده و از بهترین کتابهایی است که در این موضوع نگاشته شده، مطالب آن (بر خلاف برخی از کتابهای گذشته) مستند و با تحقیق و حساب شده در چند بخش نوشته شده است:

۱ - فضائل حضرت عبدالعظیم.

۲ - آباء و اجداد او.

۳ - اخبار روایت شده از او.

۴ - مشایخ او.

۵ - راویان و تلامذ او.

بهترین معرف این کتاب تقریظی است که علامه ذوفنون حضرت آیت الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی متوفای ۱۳۹۳ و مدفون در جوار حضرت عبدالعظیم در مقبره زمردیان بر این کتاب نوشته. ما برای تقدیر از زحمات آقای عطاردی و نیز ذکر خیری از مرحوم علامه شعرانی آن تقریظ را در اینجا می آوریم. تقریظ استاد محقق و نویسنده دانشمند حضرت حجت الاسلام آقای حاج میرزا ابوالحسن شعرانی (دامت برکاته) بر کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از نواقص کتابخانه دینی ما نبودن شرح حال جامع و ترجمه مفصل از حضرت

عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی سلام الله علیه است.

این بزرگوار با آنکه از بزرگان علمای شیعه و از ارکان مذاهب و مشهورترین شرفاء خاندان طهارت و مورد عنایت ائمه دین سلام الله علیهم اجمعین است برای ما مردم طهران معقلی حصین و پناهگاهی متین است. شعار رابطه معنوی ما با خاندان رسالت و مجدد رشته الفت و ملاذ و ملجأ از شرور علائق دنیوی و لازم است کتابها در شرح حال، مقامات و نسب و فضل زیارت و روایات و روات و مشایخ او داشته باشیم و نداریم.

آری کتابی به نام روح و ریحان و جنة النعیم یکی از مشاهیر محدثین عصر اخیر تألیف کرده و به برکت نام مبارک حضرت عبدالعظیم هزاران مطالب دیگر گنجانیده است و به رسم و عآظ به مناسبت يك سخن سخنهای مفید در هم پیوسته. و افسوس که از شرح حال آن حضرت و آنچه راجع به خود او است بسیار اندک آورده است و یکی از سعادات ما در این عهد است که به زیارت گرامی نامه مشتمل بر مقاصد مطلوب نائل گشتیم و جناب عالم فاضل متبحر محدث متبع آقای شیخ عزیزالله قوچانی (مد الله فی عمره الشریف و زاد فی توفیقه) این امر خطیر را بر عهده گرفته و از عهده برآمده شرح حالی چنانکه باید از اجداد و اولاد و اخوان و مشایخ و روایات و فضل زیارت آن حضرت در مجموعه [ای] نفیس فراهم کردند و این بنده با کمال نقص خود به کمال مؤلف و مؤلف اعتراف دارم و آن را موهبتی عظیم و غنیمتی شگرف می شمارم و امیدوارم همه دوستان خاندان عصمت از عمل ایشان بهره مند و از زحمت ایشان تقدیر و تشکر نموده و مزید توفیق امثال ایشان را از خداوند بخواهند.

و انا الحقیر ابوالحسن المدعو بالشعرانی

فی ذی القعدة الحرام من سنة ۱۳۸۳.

#### ۱۴ - شرح حال حضرت عبدالعظیم

این کتاب به زبان فارسی تألیف حضرت آقای حاج شیخ جواد نجفی صاحب تألیفات متعدد است و ضمیمه جلد چهارم کتاب «ستارگان درخشان» به قلم ایشان

که شرح حال امام حسن مجتبی علیه السلام است چاپ شده است.

### ۱۵ - زندگانی حضرت عبدالعظیم

این کتاب به زبان فارسی تألیف حضرت آقای حاج شیخ احمد صادقی اردستانی (دامت افاضاته) است.

تاریخ تألیف آن ۱۳۶۶ ش، و در سال ۱۳۶۸ ش در ۱۶۰ صفحه رقی در تهران چاپ شده، دارای دوازده فصل و از کتابهای خوبی است که در این موضوع نوشته شده است.

۱۶ - موائد الکریم لزوار عبدالعظیم، در باره این رساله در پایان این نوشتار بحث خواهد شد.

### فصل سوم

#### پاسخ به سؤالاتی پیرامون حضرت عبدالعظیم

۱ - تولد حضرت عبدالعظیم در چه سالی بوده است؟

پاسخ: در کتاب شریف کافی ج ۱، ص ۴۲۴ از عبدالعظیم از هشام بن الحکم از امام صادق روایت شده: هذا صراط علی مستقیم.

و تاریخ وفات هشام بن حکم ۱۹۹ یا قبل از آن می باشد<sup>۵۲</sup> و هنگام نقل روایت مظنون این است که حضرت عبدالعظیم کمتر از بیست سال نداشته است بنابراین تولد آن حضرت باید سال ۱۸۰ یا جلوتر از آن باشد. و اینکه برخی از محققان فرموده اند او از حضرت رضا علیه السلام روایت نکرده است دلیل این نیست که زمان حیات حضرت رضا علیه السلام را هم درک نکرده باشد.

۲ - وفات آن حضرت در چه سالی بوده است؟

پاسخ: اگر بر روایت کامل الزیارات و ثواب الاعمال که حضرت هادی (ع) به

۵۲ - معجم رجال الحدیث، چاپ اول، ج ۱۹، ص ۳۵۸.

شخصی از اهل ری فرموده: «لوزرت قبر عبدالعظیم عندکم لکنتم کمن زارالحسین علیه السلام»<sup>۵۳</sup> اعتماد کنیم باید بگوییم که عبدالعظیم در دوران امامت حضرت هادی(ع) و قبل از شهادت آن حضرت از دنیا رفته است.<sup>۵۴</sup> و چون دوران امامت آن حضرت از سال ۲۲۰ تا ۲۵۴ بوده است تعیین تاریخ دقیق یا تقریبی ممکن نیست و هیچ دلیلی بر اینکه سال وفات عبدالعظیم همان سال شهادت حضرت هادی علیه السلام یعنی ۲۵۴ باشد<sup>۵۵</sup> در دست نیست و نیز هیچ دلیلی بر اینکه سال وفات او حدود ۲۵۰<sup>۵۶</sup> یا یکی دو سال قبل از شهادت حضرت هادی(ع)<sup>۵۷</sup> باشد نداریم.

### ۳- عبدالعظیم چند نفر از امامان علیهم السلام را درک کرده است؟

پاسخ: اگر منظور درک زمان حیات است باید گفت: پنج نفر، از موسی بن جعفر(ع) (که شهادتش در سال ۱۸۳ می باشد) تا امام حسن عسکری(ع) که تولدش سال ۲۳۲ است.

و اگر منظور درک با نقل روایت است، باید گفت از حضرت جواد و حضرت هادی(ع) روایات فراوان دارد اما از حضرت عسکری(ع) روایت ندارد(یعنی به ما نرسیده است و این اعم از روایت نکردن است) و از حضرت رضا علیه السلام روایتی دارد که در اختصاص شیخ مفید نقل شده و برخی آن را هم از روایات حضرت هادی(ع) دانسته و گفته اند شاید در سند ابی الحسن الهادی به ابی الحسن الرضا اشتباه شده باشد.<sup>۵۸</sup>

۵۳ - کامل الزیارات، ص ۳۲۴؛ نواب الاعمال، چاپ غفاری، ص ۱۲۴. و همین روایت در رساله صاحب بن عباد، ص ۲، هم نقل شده است.

۵۴ - و اینکه عبدالعظیم دوران امامت حضرت عسکری را درک کرده باشد مسلم نیست و در آینده در این موضوع بحث خواهیم کرد.

۵۵ - که در مجله تراثنا، شماره ۵، ص ۳۱ آمده است.

۵۶ - که از روح و ریحان نقل شده است.

۵۷ - که آقای رازی در اختران فروزان، ص ۳۸ گفته اند.

۵۸ - المتحصّل من کلمات اصحابنا ان عبدالعظیم لم یدرک الرضا علیه السلام... نعم فی کتاب الاختصاص فی موعظة ناعمة رواها عبدالعظیم قال: وروی عن عبدالعظیم عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: یا

و اگر منظور درك دوران امامت است با نقل روایت، پاسخ همان پاسخ قبلی است.

و اگر منظور درك دوران امامت است گر چه روایت نقل نکرده باشد باید گفت دوران امامت حضرت رضا(ع) تا حضرت هادی(ع) را درك کرده است. و اگر منظور به حضور حضرات ائمه رسیدن است باز باید گفت خدمت حضرت جواد و حضرت هادی علیهما السلام حتماً رسیده است و شاید خدمت حضرت رضا(ع) هم رسیده باشد اگر به روایت اختصاص اعتماد کنیم، و شاید خدمت حضرت عسکری(ع) هم رسیده باشد اگر به گفته شیخ طوسی در رجال (بنابر آنچه در برخی نسخه‌های رجال طوسی هست) و میرداماد در «شرعة التسمیة» استناد نماییم؛ زیرا در برخی نسخه‌های رجال شیخ طوسی، عبدالعظیم از اصحاب امام عسکری(ع) هم شمرده شده و میرداماد هم در رساله «شرعة التسمیة» گفته است: قد أدرك من الأئمة الجواد و الهادي و العسکري عليهم السلام.<sup>۵۹</sup>

۴ - مشایخ حضرت عبدالعظیم چند نفر بوده‌اند؟

پاسخ: آنطور که حضرت آقای عطاردی تتبع و ضبط کرده‌اند ۲۵ نفرند که یکی از آنها هشام بن حکم متوفای ۱۹۹ یا قبل از آن است. به کتاب عبدالعظیم الحسنی ۱۹۳ - ۲۶۶ رجوع شود که در باره يك يك آنها بحث شده است.

۵ - راویان از حضرت عبدالعظیم چند نفرند؟

پاسخ: آنطور که حضرت آقای عطاردی پس از تحقیق و تتبع نوشته‌اند ۱۵ نفرند که یکی از آنها ابراهیم بن هاشم قمی است. به همان کتاب ص ۲۶۷ - ۲۹۴ رجوع شود.

→ عبدالعظیم... الا انه لا اعتماد عليها و لا اقل من جهة الارسال... معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۵۳.

و نیز نگاه کنید به اختصاص شیخ مفید ص ۲۴۷.

۵۹ - نگارنده حدس می‌زند که چون لقب عسکری احياناً برای امام هادی(ع) هم اطلاق می‌شده این مطلب موجب اشتباه گشته که روایت او از امام هادی(ع) را روایت از امام عسکری(ع) پندارند و او را از اصحاب ان بزرگوار بشمارند، از باب نمونه نگاه کنید به روایت کامل الزیارات، ص ۳۲۴: دخلت علی أبي الحسن العسکري عليه السلام....

## ۶- تألیفات حضرت عبدالعظیم چیست؟

پاسخ: در رجال نجاشی ص ۲۴۷ آمده است: له کتاب خطب أمير المؤمنين (ع).  
و در رساله صاحب بن عبّاد ص ۱، آمده است: له کتاب یسمّیه: «کتاب یوم  
و لیلۃ» و کتب ترجمتها روایات عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی.

## ۷- تعداد روایاتی که از ایشان در دست است چقدر است؟

پاسخ: مرحوم ملا محمد اسماعیل فدائی کزازی در کتاب ارجمند «جنات النعیم»  
شصت روایت گردآوری کرده است. به فردوس هشتم آن کتاب رجوع شود.  
و در کتاب روح و ریحان ۵۷ روایت نقل شده است.  
مرحوم کلباسی در تذکرة عظیمیه در تذکرة ششم چهل روایت گردآورده  
است به ص ۶۶ - ۹۲ آن کتاب رجوع شود.

آقای رازی سلّمه الله نیز در کتاب زندگانی عبدالعظیم در فصل چهارم از  
باب دوم، سی و چند حدیث در سه بخش گردآوری نموده اند به ص ۴۹ - ۹۶ آن  
رجوع شود.

حضرت آقای عطاردی (دامت افاضاته) در کتاب عبدالعظیم الحسنی در  
بخش سوم با تتبع بیشتر، عدد روایات را به ۷۸ رسانده اند به ص ۱۰۵ - ۱۹۴ رجوع  
شود.

البته ممکن است با تتبع بیشتر روایات دیگری را هم به دست آورد مثلاً  
روایت عبدالعظیم از هشام از امام صادق (ع) که در ذیل بیان تاریخ تولد نقل شد  
در کتاب آقای عطاردی نیامده است.

از این روایات به آنچه در کتب اربعه آمده، در کتاب معجم رجال الحدیث  
مرحوم آیت الله العظمی الخوئی، اشاره شده و عدد آن حدود بیست روایت است.  
به معجم رجال الحدیث ج ۱۰، ص ۴۲۲ رجوع شود.

## ۸- آیا حضرت عبدالعظیم شهید شده است؟

پاسخ: در منتخب طریحی ص ۸ آمده است: قیل و ممن دفن حیاً من الطالبین

عبدالعظیم الحسنی بالری.

و در کتاب «الشجرة المباركة» ص ۴۶ آمده است: عبدالعظیم... و قتل بالری و مشهده بها معروف و مشهور...

و روشن است که نمی‌توان به این دو عبارت اعتماد کرد و آن را بر گفتار مانند نجاشی که ظاهر عبارتش وفات است نه شهادت، ترجیح داد یا مساوی دانست. و شاید «قتل» تصحیف «قیل» باشد.

مرحوم لاهوتی در بدائع الانساب بعد از نقل کلام طریحی گوید: لکن تمام علمای انساب وفات او را [نه شهادت] نوشته‌اند.

۹- پدران او تا امام حسن مجتبی (ع) کیانند؟

پاسخ: در رجال نجاشی که اولین کتابی است که از پدران عبدالعظیم یاد کرده چنین آمده است:

مات رحمہ اللہ فلما جرد لیغسل وجد فی جیبہ رقعة فیها ذکر نسبه فإذا فیها: أنا أبو القاسم عبدالعظیم بن عبد اللہ بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابي طالب علیہم السلام.<sup>۶۰</sup>

پس از نجاشی هم همه این نسب را نوشته و ضبط کرده‌اند و شرح حال آنان در کتابهای فراوانی مانند «جنات النعیم» و «عبدالعظیم الحسنی» به تفصیل یاد شده است.

۱۰- مادر آن حضرت کیست؟

پاسخ: پدران آن حضرت همانطور که یادآوری شد در کتابهای متعدد یاد شده و شرح حالشان هم به تفصیل یا اجمال آمده است اما از مادر آن بزرگوار در کتابهای مصدر چیزی نقل نشده، فقط اعتضاد السلطنه در کتاب خود «شرح حال حضرت عبدالعظیم» - که در فصل دوم این رساله معرفی شد - در صفحه ۳۰ (نسخه خطی) می‌نویسد:

۶۰- رجال نجاشی، ص ۲۴۸.



صاحب سرالانساب گوید: مادر عبدالعظیم ام ولد است. و به قول ابی عبدالله طباطبائی مادر آن حضرت فاطمه بنت عقبه بن قیس حمیری است.<sup>۶۱</sup>

#### ۱۱ - همسر آن حضرت کیست؟

پاسخ: در همان کتاب اعتضاد السلطنه آمده است: حضرت عبدالعظیم پسری داشت موسوم به محمد از دختر عمش خدیجه بنت قاسم بن حسن بن زید. محدث قمی در سفینه البحار ص ۱۲۱ ج ۲، می نویسد: و فی کتاب المجدی أن خدیجة بنت القاسم الزاهد بن الحسن بن زید بن الحسن بن امیرالمؤمنین (ع) کانت زوجة عبدالعظیم الحسنی رضی الله تعالی عنهما.

#### ۱۲ - فرزندان حضرت عبدالعظیم؟

پاسخ: محدث قمی در منتهی الآمال ج ۱، ص ۱۷۹ می نویسد: جناب عبدالعظیم را پسری بود به نام محمد او نیز مردی بزرگ قدر و به زهدات و کثرت عبادت معروف بود. از مرحوم شریعت اصفهانی شنیدم که در کتاب منتقلة الطالبية آمده که محمد بن عبدالعظیم منتقل شد به جانب سامراء و در اراضی «بلد» و «دجیل» وفات یافت. و بنا به گفته کتاب منتقلة الطالبية دو دختر هم به نامهای خدیجه و رقیه داشته است. (پایان کلام محدث قمی).

و آیا محمد فرزندی داشته یا نه محل اختلاف است<sup>۶۲</sup> در برخی کتابها تصریح شده است که نسل او قطع شده است<sup>۶۳</sup> و در بعضی کتابها آمده که نسل عبدالعظیم از همین محمد باقی ماند.<sup>۶۴</sup> اما مطلبی که آقای صادقی اردستانی در کتاب «زندگانی حضرت

۶۱ - اما در کتاب منتقلة الطالبية ص ۱۵۷، آمده: فولد عبدالعظیم بن عبدالله محمداً - أمه فاطمة بنت عقبه بن قیس الحمیری - و رقیه و خدیجه.

۶۲ - منتقلة الطالبية، ص ۱۵۷.

۶۳ - مثلاً عمدة الطالب، ص ۷۱، می نویسد: و انقرض محمد بن عبدالعظیم و لا عقب له.

۶۴ - منتقلة الطالبية، ص ۱۵۷، گوید: قال شیخی الکلیا... ابوالحسین یحیی بن الحسن ادام الله نعمته: العقب منه من محمد وجده.

عبدالعظیم» ص ۱۷۹ از منتهی الآمال محدث قمی نقل کرده‌اند: «عبدالعظیم دختری به نام ام سلمه داشت که همسر عمر بن ابراهیم بود و نسل حضرت عبدالعظیم از این ام سلمه به جای ماند» این مطلب را در منتهی الآمال پیدا نکردیم شاید از کتاب دیگری نقل کرده باشند و در ذکر مأخذ اشتباه شده باشد.

۱۳ - چرا به آن حضرت شاه عبدالعظیم یا شاهزاده عبدالعظیم می‌گویند؟

پاسخ: در گذشته در عرف عامه مردم، کلمه «شاه» در بسیاری از موارد به نشانه تجلیل و احترام به کار می‌رفت به حضرت علی علیه‌السلام شاه مردان، به حضرت حسین علیه‌السلام شاه شهید یا شاه شهیدان، به حضرت علی اکبر شاه زاده علی اکبر می‌گفتند و به همین مناسبت در مورد بسیاری از امام زاده‌ها واژه شاه و شاهزاده گفته می‌شد و گفته می‌شود مثلاً در قم شاه حمزه، در قزوین شاهزاده حسین و نیز در قم شاهزاده ابراهیم و شاه سلطانعلی در ارده‌ها کاشان و...  
در باره حضرت عبدالعظیم این کلمه در کتابهای سده ۱۳ و ۱۴ (نه کتابهای قبل از آن) دیده می‌شود و این جزو نام آن حضرت نیست.

۱۴ - بنای بارگاه حضرت عبدالعظیم از کیست؟

پاسخ: بنیان حرم مطهر و مشهد مقدس آن حضرت از مجد الملک قمی شهید در سال ۴۹۲، و بنیان ایوان و رواق او از شاه طهماسب بن شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۴۴، و ضریح نقره او از آثار فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۲۳ و طلاکاری گنبد از ناصرالدین شاه قاجار و آینه‌بندی و نقاشی ایوان مطهر از آثار میرزا آقا خان نوری صدراعظم است.<sup>۶۵</sup>

خاتمه

در باره زیارت حضرت عبدالعظیم چند روایت در کتابها نقل شده است.

۶۵ - منتخب التواریخ، ص ۷۷۳. و نیز نگاه کنید به کتاب آثار تاریخی طهران، ج ۱، ص ۳۷۲ و در المآثر و الآثار اعتماد السلطنة تاریخ تذهیب و عمارت گنبد حضرت عبدالعظیم را سال ۱۲۷۱ دانسته است، ص ۶۴.

۱ - ابن قولویه متوفای حدود سال ۳۶۹ در کتاب کامل زیارات ص ۳۲۴:  
حدثنا علی بن الحسین بن موسی بن بابویه عن محمد بن یحیی العطار عن  
بعض أهل الري قال دخلت علی أبي الحسن العسكري علیه السلام، فقال: أين  
كنت؟ فقلت زرت الحسین بن علی علیه السلام، فقال:  
أما انك لو زرت قبر عبدالعظیم عندکم لكنت کمن زار الحسین علیه  
السلام.<sup>۶۶</sup>

روشن است که حضرت هادی علیه السلام با این کلام می خواهد شیعیان را  
به زیارت حضرت عبدالعظیم تشویق نموده و ارزش آن را بیان فرماید.  
۲ - همین روایت در ثواب الاعمال شیخ صدوق متوفای سال ۳۸۱ ص ۱۲۴  
با سند دیگر:

حدثنا علی بن احمد قال: حدثنا حمزة بن القاسم العلوي رحمه الله قال  
حدثنا محمد بن یحیی العطار عن من دخل علی أبي الحسن علی بن محمد الهادي  
عليهما السلام من أهل الري قال دخلت علی أبي الحسن العسكري...  
۳ - همین روایت در رساله صاحب بن عبّاد متوفای سال ۳۸۵ ص ۲ بدون  
سند:

دخل بعض أهل الري علی أبي الحسن صاحب العسكر علیه السلام...  
۴ - میرداماد متوفای ۱۰۴۰ در کتاب الرواشح السماویه ص ۵۱ گوید:  
وفي فضل زیارته روايات متظافرة وقد ورد من زار قبره وجبت له الجنة.<sup>۶۷</sup>  
۵ - در کتاب روضات الجنات خوانساری متوفای ۱۳۱۳ از تعلیقه شهید ثانی  
متوفای ۹۶۵ بر «خلاصة الاقوال» علامه حلی متوفای ۷۲۶ نقل شده: قد نصّ علی  
زیارته الإمام علی بن موسی الرضا علیه السلام. قال: من زار قبره وجبت علی الله  
له الجنة: ذکر ذلك بعض النسّابین.<sup>۶۸</sup>

۶۶ و ۶۷ - شاید این حدیث همان حدیث منقول از شهید ثانی باشد که در شماره پنج یاد می شود.  
۶۸ - در مورد این روایت گفته شده یا ابوالحسن الهادی (ع) به ابوالحسن الرضا (ع) اشتباه شده و یا قبر حضرت  
معصومه (س) به قبر حضرت عبدالعظیم.

۶- در کتیبه درب ضریح مطهر حضرت عبدالعظیم نوشته بود: قال علي بن موسى الرضا عليهما السلام:

من زارني بعد موتي ضمننت له الجنة و من لم يقدر على زيارتي فليزر أخي عبدالعظیم الحسنی بالري.<sup>۶۹</sup>

۷- در کتاب کامل الزیارات ص ۳۱۹ از حضرت رضا علیه السلام:

من لم يقدر على زيارتنا فليزر صالحی موالینا یکتب له ثواب زیارتنا.

۸- در کتاب ثواب الاعمال صدوق ص ۱۲۴ از امام صادق علیه السلام:

من لم يقدر على زيارتنا فليزر صالحی موالینا یکتب له ثواب زیارتنا.

### زیارتنامه

مرحوم آقا جمال خوانساری متوفای ۱۱۲۵ کتاب مزاری دارد که آن را برای شاه سلطان حسین هنگامی که به مشهد مقدس مشرف می شد تألیف کرد. این کتاب شامل این مطالب است:

مقدمه: در بیان ثواب زیارت حضرت رضا علیه السلام.

فصل اول: در آداب سفر.

فصل دوم: شامل زیارتنامه های مخصوصه حضرت رضا علیه السلام.

فصل سوم: شامل زیارت های جامعه.

خاتمه: شامل زیارت حضرت معصومه (س) در قم و حضرت عبدالعظیم در

ری.

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی و کتابخانه میرزا محمد طهرانی بوده است.<sup>۷۰</sup>

۶۹- مدرک این روایت پیدا نشده. البته در کتاب نورالآفاق شیخ جواد لاریجانی هست که او هم حتماً از همین کتیبه نوشته است و اگر بر عکس باشد یعنی کتیبه مستند به کتاب نورالآفاق باشد فاقد اعتبار است؛ زیرا همانطور که قبلاً گفته شد کتاب نورالآفاق کتاب بی اعتباری است و متفردات آن بوی جعل و ساختگی بودن می دهد.

۷۰- الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۱۷.

زیارتنامه حضرت عبدالعظیم که در مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی آمده  
تألیف همان آقا جمال و منقول از همین کتاب اوست.

در کتاب نورالآفاق شیخ جواد لاریجانی هم دو زیارتنامه که انشاء خود  
اوست به عنوان زیارتنامه پنج حدیث کبیر و زیارتنامه پنج حدیث صغیر آمده اما  
این زیارتنامه‌ها هم مانند کتاب او بی اعتبار است و در متن آنها حدیثی بی اصل  
یاد شده که از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

شاید همین زیارتنامه‌های موسوم به پنج حدیث، و یا زیارتنامه هفت حدیث  
حضرت رضا علیه السلام که شامل هفت حدیث پیرامون فضیلت زیارت حضرت  
رضا علیه السلام است و در برخی کتابهای مزار نقل شده موجب گشته که مرحوم  
حاج شیخ عباس حائری زیارتنامه موسوم به موائد الکریم را تألیف نماید.

نگارنده این سطور رساله «موائد» را از دهها سال قبل دیده و داشته و مورد  
علاقه‌ام بوده است از اینرو در اینجا رساله خود را با بحثی در باره این  
زیارتنامه (موائد الکریم) به پایان می‌رسانم.

آیت الله حاج شیخ عباس بن حاج ملاحاجی حائری متوفای ۱۳۶۰ قمری (والد  
حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی حائری طهرانی امام جماعت مسجد ارك  
طهران دامت خدماته) دارای تألیفات متعددی است که قسمتی از آنها به این شرح  
چاپ شده است:

۱ - مسائل التریبیه. فارسی، در سال ۱۳۵۲ق در ۳۲ صفحه چاپ شده  
است.<sup>۷۱</sup>

۲ - لینیة در احکام رضاع در سال ۱۳۵۶ق در ۵۲ صفحه چاپ شده است.<sup>۷۲</sup>

۳ - شرح اصول کافی، فارسی، تألیف جلد اول آن که شامل شرح کتاب  
العقل کافی است در سال ۱۳۵۷ به پایان رسیده و در سال ۱۳۵۸ در ۳۰۸ صفحه  
چاپ شده است.<sup>۷۳</sup>

۷۱ - الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۴۰؛ فهرست مشار، ص ۱۴۳۵.

۷۲ - الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۹۵؛ فهرست کتب چاپی فارسی، ص ۱۳۳۴.

۷۳ - الذریعه، ج ۱۳، ص ۹۸؛ و معجم مؤلفی الشیعه، ص ۲۶۵؛ و فهرست کتب چاپی فارسی مشار، چاپ اول.

- ۴- رساله‌ای در رضاع<sup>۷۴</sup> چاپ طهران.
- ۵- الجواب الصائب عن شبهة ايمان أبي طالب. رساله‌ای است فارسی و مختصر.<sup>۷۵</sup>
- ۶- رسالة في مباحث الالفاظ (اصول فقه).
- ۷- شرح زیارت عاشورا.
- ۸- شرح الزيارة الجامعة الكبيرة.
- ۹- شرح حاشیه ملا عبدالله یزدی (منطق).
- ۱۰- اسرار الصلاة.
- ۱۱- رسالة في الوصية.<sup>۷۶</sup>
- ۱۲- شرح الصمدية در نحو.<sup>۷۷</sup>
- ۱۳- رسالة في القطع ۴ صفحه.
- ۱۴- رسالة في الظن ۱۰۵ صفحه.
- ۱۵- رسالة في الشك ۸۰ صفحه.
- ۱۶- رسالة في الاستصحاب ۱۴۰ صفحه.
- ۱۷- رسالة في التعادل و التراجيح ۶۰ صفحه.
- ۱۸- رسالة في حكم اللباس المشكوك ۵۰ صفحه.
- ۱۹- رسالة في احكام صلاة الجمعة ۱۵ صفحه.
- ۲۰- رسالة في خلل الصلاة ۲۰ صفحه.
- این هشت رساله در سال ۱۴۱۱ ق در قم به همت فرزندش حضرت آقای حاج آقا مهدی چاپ شده است.

\*

→  
ص ۱۰۱۱.

- ۷۴- فهرست مؤلفین کتب چاپی، ج ۳، ص ۶۴۴ و شاید این رساله همان رساله دوم باشد نه تألیفی جداگانه.
- ۷۵- الذریعه، ج ۵، ص ۱۷۰.
- ۷۶- از شماره ۶ تا ۱۱ در اعلام الشیعه علامه طهرانی، ص ۹۹۱، یاد شده است.
- ۷۷- معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۵۹.

## مواند الکریم لزوار عبدالعظیم

تألیف دیگری که از ایشان به یادگار مانده است همین زیارتنامه حضرت عبدالعظیم است که به صورت رساله‌ای به نام «مواند الکریم لزوار عبدالعظیم» است و مکرر چاپ شده است. نسخه چاپی که در اختیار ماست به خط زیبای حسن میرخانی است و زیارت عاشوراء و دعای کمیل به آن افزوده شده، و زیر نظر مرحوم حاج شیخ محمود یاسری (مؤلف «خلاصة التفاسیر») که به عنوان ترجمه قرآن با برخی از قرآنها چاپ شده و بسیار ترجمه و تفسیر خوبی است). زیارتها و دعاها به فارسی ترجمه و در ۶۶ صفحه جیبی چاپ شده است که ۳۵ صفحه آن اصل رساله است. و اصل رساله عبارت است از زیارتنامه‌ای برای حضرت عبدالعظیم که انشاء مرحوم حائری و شامل مطالبی است که در باره عبدالعظیم گفته شده. البته این رساله خالی از نقاط ضعف نیست و اگر بنای تجدید چاپ آن باشد نیاز به برخی اصلاحات دارد.

### کتابخانه ابن طاووس

واحوال و آثار او

مؤلف: ابان بکرگت

ترجمان: سید علی شهبازی  
دکتر رسول جعفریان

کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی  
نجفی منتشر کرده است